زندگی قدس

۱۵ دسامبر ۲۰۱۸ | شنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۷ | ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۵۳ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگوی قدس با امیرحسین نوروزی، کارگردان مستند «نجات»

وجه انسانی «مقاومت» آن را ماندگار کرده است

۱۵

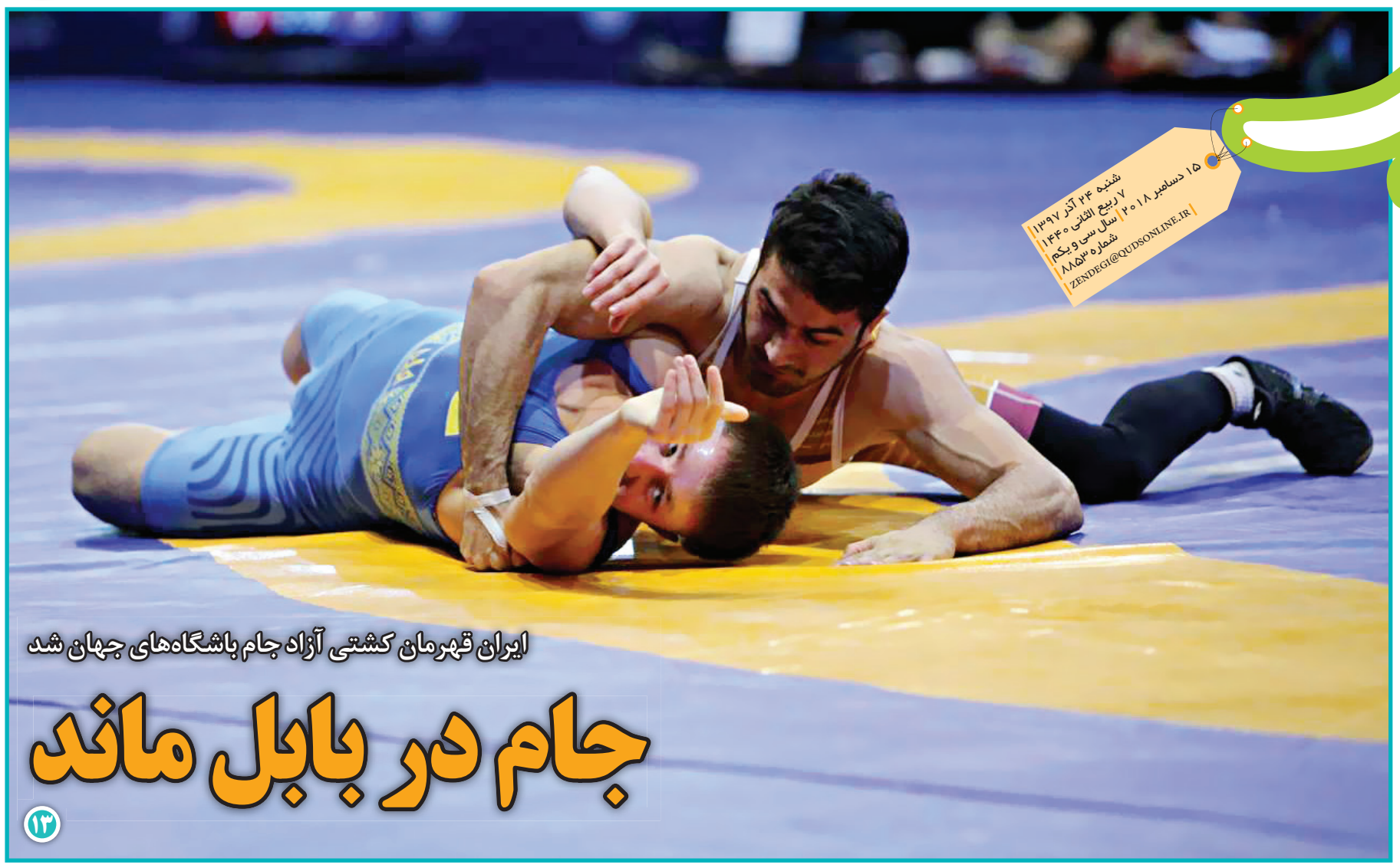

ایران قهرمان کشتی آزاد جام باشگاه‌های جهان شد

جام در بابل ماند

۱۳

۱۶

ایستگاه

«والت دیزنی» ۵۲ سال پیش در گذشت

خالق موش‌های رؤیاخوار

نوشتن از مردی که شاید همه رؤیاهای دوران کودکی و نوجوانی مان را تسخیر کرده و شخصیت‌های جذاب و عجیب و غریب کارتون‌هایش حتی هنوز و در بزرگسالی انگار رهایمان نکرده‌اند، آسان نیست. شهرت «والت دیزنی» و آثارش به مدد جادوی هالیوود و قدرت سحرآمیزش، چهار گوشه و کنار جهان را درنوردیده و با قصه‌های باور کردنی و نکردنی، توانسته کوچه پسکوچه‌های همه فرهنگ‌ها را فتح کند. نسخه‌های بی‌شمار «میکی ماوس» موش دوست داشتنیِ «دیزنی» به سوراخ سنبه‌های فرهنگ همه ملل در سرتاسر جهان نقب زده و سرک کشیده است و رگ خواب کودکان جهان را جویده و کماکان می‌جود. چه عاشقان سینه‌چاک سینما و انیمیشن جهان و چه منتقدان نکته‌سنج و ریزبین، «دیزنی» و میراث باقی مانده از او را ستوده و می‌ستایند. این گروه دوم اما به جز ستایش و تمجید، حرف‌های دیگری را هم درباره پشت پرده‌های موفقیت و شهرت دیزنی، میکی ماوس، سفید برفی، سیندرلا و... زده‌اند. والتر الیاس دیزنی» اگرچه زاده شهر شیکاگو در آمریکاست اما اصل و نسبش را که بکاوید رگه‌هایی از پدر ایرلندی - کانادایی و مادر آلمانی - انگلیسی را در آن پیدا می‌کنید و نشانه‌هایی هم از جد پدری‌اش که می‌گویند فرانسوی بوده است! نوزاد چند ملیتی گویا در خانواده‌ای یهودی به دنیا می‌آید و چون پدرش مقاطعه کار ساختمان است، پنج سال اول زندگی را ...

۱۰

مردم

ماجرای معلولی که تصمیم گرفت زندگی‌اش تغییر کند

نقاشی می کشم پس هستم

۱۱

تاریخ

سیر تطور تاریخی نظریه انقلاب به روایت دکتر محمد رجبی

عدل و قسط، هدف اصلی انقلاب اسلامی است

۱۴

ادب و هنر

گزارش کارگاه پوستر و تبلیغات شهری جشنواره هنر مقاومت

نقد صریح نارسایی‌ها تبلیغ صحیح پیشرفت‌ها

شورش زنان کره‌جنوبی علیه استانداردهای زیبایی غربی

لوازم آرایشی‌ات را خُرد کن!

حامد کمالی- غربی‌ها همیشه ما را متهم کرده‌اند که حقوق زنان را نادیده می‌گیرید و به آن‌ها در جامعه‌تان ضریب نمی‌دهید و فقط می‌خواهید که برایتان بچه بیاورند و مثل کلفت در خانه‌تان کار کنند. درحالی که خودشان به زن فقط نگاه ابزاری دارند. هرچند وقت یک‌بار هم بعضی از همان روشنفکرها و قشر مثلاً فرهنگی‌شان کاری انجام می‌دهد که همه آن نظریات و حرف‌ها را زیرسؤال می‌برد. مثل جریان اخیر یکی از نویسنده‌های اروپایی که در مراسم رونمایی و امضای کتابش، از یک زن به عنوان حیوان خانگی استفاده کرد. همین‌ها با این سبقه مستقیم و غیرمستقیم شروع می‌کنند به تولید متر و معیارهای گوناگون برای همه زن‌های دنیا. با این تز که اگر می‌خواهید در جامعه، مردها تحویلتان بگیرند، باید این شکلی شوید. استانداردی که دخترها و زنان کره جنوبی سال‌های سال آن را موبه‌مو انجام دادند و رعایت کردند، اما اکنون از آن خسته شده‌اند و می‌خواهند خودشان باشند. اسم کمپینشان را هم گذاشته‌اند لوازم آرایشت راخرد کن. کمپینی که در همین چند روزه به تیتر یک خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های دنیا تبدیل شده است.

مهد جراحی زیبایی و استفاده از لوازم آرایشی

اما ظهور چنین کمپینی در کره‌جنوبی برای همه دنیا عجیب بود. چون این کشور بزرگ‌ترین تولید کننده لوازم آرایشی در جهان است و طبق آمارهای جهانی از لحاظ مصرف هم روی بقیه کشورها را سفید کرده و جایگاه اول را به خودشان اختصاص داده‌اند. بد نیست بدانید که صنعت لوازم آرایشی برای این کشور حدود ۱۰ میلیارد پوند ارزآوری داشته است. کره‌ای‌ها از حیث عمل‌های جراحی زیبایی هم در دنیا سرآمد هستند و از آن‌ها به عنوان پایتخت جراحی پلاستیک دنیا یاد می‌کنند. بد نیست بدانید که بخش زیادی از ارزی که وارد کره‌جنوبی می‌شود، به واسطه توریست‌هایی است که به این کشور می‌آیند تا جراحی پلاستیک انجام بدهند. بویژه چینی‌ها و ژاپنی‌ها که استانداردهای زیبایی‌شان خیلی شبیه به چشم بادامی‌های کره‌ای است. پزشکان کره‌ای این‌قدر چیره‌دست هستند که ظاهر بیمارهایشان را به کل تغییر می‌دهند. به همین دلیل است که بعضی از بیمارستان‌ها «گواهینامه جراحی زیبایی» برای بیماران صادر می‌کنند تا این مشکل برای برگشت آن‌ها به کشور مبدأ برطرف شود. گفته می‌شود که در این گواهی‌ها شماره پاسپورت، نام بیمارستان محل جراحی و مدت اقامت در کره‌جنوبی ذکر می‌شود. حالا درست از زمانی که این کمپین به راه افتاده است، شرکت‌های لوازم آرایشی کره‌ای که جزو بزرگ‌ترین برندهای دنیا هستند خطر را احساس کرده‌اند و آن‌طور که خودشان می‌گویند درحال سرمایه‌گذاری روی فروش لوازم آرایشی به مردان هستند!

اولین مجری زن عینکی تلویزیون کره!

برخلاف آن‌چه که انتظار می‌رفت، جامعه زنان کره‌جنوبی خیلی زود با این کمپین همراه شدند. حتی چهره‌های معروف و مشهورشان. زنان جوانی که در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند، جلوی دوربین، تلی از سایه چشم، کرم پودر، رژ لب، ریمل، کرم و سرم جوروواجور را بیرون کشیده و راهی سطل زباله کردند. بعضی‌ها هم شروع کردند به بررسی محتویات این همه کرم و لوسیون و سرم و ... تولیداتی که اغلب سرشار از انواع‌واقسام مواد شیمیایی با اسامی سخت است. زنان در شبکه‌های اجتماعی خود تصاویر محتویات این لوازم آرایشی را با عکس منتشر کردند، به مقاله‌های علمی لینک دادند که بعضی از این محتویات چطور برای سلامت انسان مضر است و آن پرسش اساسی را پرسیدند: چرا؟ چرا باید این همه محتویات شیمیایی را هر روز به صورت خود بمالند تا «زیبا» باشند؟ این نبرد زمانی در کره سراسری شد که یکی از زنان مجری خبر شبکه تلویزیونی معروفی، عینک طبی به چشم زد و جلوی دوربین آمد و خبر خواند. شاید باور نکنید اما، او «اولین زن» در کره‌جنوبی است که با عینک طبی جلوی دوربین آمده است! تا پیش از او هیچ زنی چه در سمت مجری برنامه یا بازیگر و غیره با عینک طبی جلوی دوربین نیامده بود! معیارهای عجیب و غیرانسانی «زیبایی» در این کشور، عینک طبی زدن برای زن را «عیب» می‌داند که باید در پستو پنهان کرد! چون از نظر آن‌ها هیچ زن اروپایی عینک به چشمش نمی‌زند.

کاش این موج به ایران هم برسد

طبق آمار گردش مالی لوازم آرایش در ایران حدود ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار است که این رقم ایران را پس از عربستان به عنوان بزرگ‌ترین مصرف کننده لوازم آرایش در خاورمیانه معرفی می‌کند. در دنیا هم رتبه‌مان بین ششم و هفتم درحال نوسان است. براساس پژوهش‌های میدانی غالب زنان ایرانی هر روز صبح به محض برخاستن از خواب مشغول آرایش می‌شوند، حتی اگر بیمار هم باشند بر این باورند که باید آراسته و آرایش کرده در مجامع عمومی ظاهر شوند تا اعتماد به نفسشان خدشه‌دار نشود. آمار عمل‌های جراحی زیبایی در ایران، طی سال‌های اخیر افزایش داشته است و مردان و زنان ایرانی همت کرده‌اند و رتبه ایران را در بین کشورهای دنیا تا رده بیستم بالا آورده‌اند. طوری که الآن پولسازترین رشته پزشکی، جراحی پلاستیک است. رد همه این اتفاقات را که بگیرید، به فیلم و سریال‌های آن‌ور آبی و سلبریتی‌ها می‌رسید که باعث و بانی تغییر سبک زندگی مردم ایران شده‌اند و شبکه‌های اجتماعی هم به شعله‌ورتر شدن این آتش کمک کرده‌اند. حالا که موج مقابله با لوازم آرایشی و استانداردهای زیبایی عجیب و غریب تحمیل شده به زنان به راه افتاده و فضا برای روشنگری آماده است، بد نیست که کارشناسان ایرانی هم وارد گود شوند و یک مبارزه اساسی را شروع کنند. البته نه مبارزه‌ای از جنس جوک‌ها و شوخی‌هایی که چندوقت پیش در شبکه‌های اجتماعی باب شد.

آغاز شورش علیه استانداردهای غیر منطقی

مهد ولاگرها، که این روزها در فضای مجازی تعدادشان روبه افزایش است، کره جنوبی است. این‌ها زنانی هستند که از شرکت‌های تولید کننده لوازم آرایشی پول می‌گیرند که جلوی دوربین سلفی موبایلشان بنشینند، محصولات آن‌ها را روی صورتشان امتحان و کالای آن‌ها را برایشان در فضای مجازی تبلیغ کنند. همین الآن اگر در یوتیوب و اینستاگرام یک جست‌وجوی کوچک انجام بدهید، با کلی کانال و فیلم و صفحه روبه‌رو می‌شوید که متعلق به همین آدم‌هاست. اما چند روز پیش یکی از همین ولاگرهای معروف کره‌ای، دست به کاری عجیب زد و جریان شد. او مثل همیشه جلوی دوربین سلفی‌اش نشست. اما به جای اینکه لوازم آرایشی را استفاده کند، همه‌شان را از بین برد و در سطل آشغال ریخت. بعد هم گفت که از دیدن چهره غیرواقعی خودش خسته شده است و دیگر نمی‌خواهد به استانداردهای تحمیل شده به زنان در کره‌جنوبی تن بدهد. ویدئوی این زن که نماد «زیبایی» و غایت «آرایش» و الگوی بسیاری از زنان کره‌ای بود، غوغایی به پا کرد. ناگهان صدها زن دیگر ویدئو و عکس دور ریختن لوازم آرایشی و صورت‌های بدون آرایش خود را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند. عکس‌ها و ویدئوهایی که نه در خلوت خانه‌هایشان، بلکه در فضاهای عمومی مثل باشگاه ورزشی، دانشگاه، رستوران و کافه گرفته شده بود. این فیلم‌ها خیلی زود دست به دست چرخید، تعداد بازدیدهایش بالا رفت و طولی نکشید که کمپین لوازم آرایشی‌ات را خرد کن به راه افتاد.

هر زن کره‌ای حداقل سه بار زیر تیغ جراحان پلاستیک رفته است!

شخصیت‌های کارتون‌هایی که چشم‌بادامی‌ها می‌سازند، هیچ شباهتی به خودشان ندارند. همه‌شان چشمان درشتی دارند و ترکیب صورتشان اصلاً با شرق آسیایی‌ها همخوانی ندارد. شاید شوخی به نظر برسد، اما خیلی از متر و معیارهای زیبایی که برای زنان کره‌جنوبی تعریف شده، تقریباً با چیزهایی که در انیمیشن‌هایشان دیده‌ایم یکسان است. استانداردهای زیبایی کره جنوبی را فاکتورهایی تشکیل می‌دهد که زنان را تشویق می‌کند پوست‌های روشن، چشم‌های بزرگ، دماغ رو به بالا، پاهای لاغر، لب‌های شکل توت‌فرنگی، صورت کوچک و اندام باریک باشند. طوری که اکنون عمل تغییر شکل فک که جزو سخت‌ترین عمل‌های پلاستیک است، از پرطرفدارترین‌ها در این کشور است و رتبه بعدی به عمل‌های جراحی پلک و چشم اختصاص دارد. این استانداردهای بعضاً وارداتی این‌قدر در جامعه کره رواج پیدا کرده است که هر زن کره‌ای دست‌کم سه بار زیر تیغ عمل جراحی پلاستیک رفته است و هیچ دختر ۱۹ساله کره‌ای که جراحی پلاستیک انجام نداده باشد را پیدا نمی‌کنید. دراین کشور کار به جایی رسیده است که پدر و مادرها دخترهایشان را به عمل جراحی پلاستیک و تغییر اجزای صورت تشویق می‌کنند تا از طرف جامعه طرد نشوند.

اعتماد به نفس آرایشی

در جامعه کره‌جنوبی فشار روانی روی زن‌ها بالاست وآن‌طور که خودشان ادعا می‌کنند نمی‌توانند بی‌آرایش از خانه بیرون بروند، چون طاقت نگاه‌های سنگین بقیه را ندارند و اعتماد به نفسشان را از دست می‌دهند. طبق پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر هر زن کره‌ای صبح‌ها قبل از بیرون رفتن از خانه چیزی نزدیک به دوساعت از وقتش را جلوی آینه صرف آرایش کردن خودش می‌کند و موقع بازگشت از محل کار یا هرجای دیگری، باز باید همین‌قدر زمان صرف پاک‌کردن و ازبین بردن اثرات آن بکند. چون اگر این کار را نکند، استانداردهای زیبایی را زیرپا گذاشته است و از سوی افراد جامعه، بویژه مردها، طرد می‌شود. اما سرانجام کاسه صبر زنان کره‌ای لبریز و از این رویه مشکل خسته شده‌اند. در شبکه‌های اجتماعی ویدئوهایی منتشر می‌کنند که در آن لوازم آرایشی‌شان را خرد می‌کنند و از بقیه زنان می‌خواهند با آن‌ها همراه شوند. همه حرفشان هم این است که این استانداردها یک سیستم اجباری است و از زنان انتظار دارند صرفاً از آن تبعیت کنند و هیچ راه دیگری جز آن ندارند. زنان کره‌ای اکنون در حال مقابله با این استانداردهای عجیب و غریب و استرس‌زا هستند. دختران کره‌جنوبی چند وقتی هست که بدون آرایش و با چهره طبیعی از خانه بیرون می‌روند، در مکان‌های عمومی از خودشان فیلم و عکس می‌گیرند که به خاطر آرایش نکردن هیچ استرسی ندارند و اعتماد به نفسشان از دست نرفته است.

مجازآباد

بی‌خانمان‌های انگلیس

تازه‌ترین گزارش وزارت کشور انگلیس نشان می‌دهد که آمار افراد بی‌خانمان در این کشور در یک سال گذشته روند افزایشی دارد. رسانه‌های غربی همچون بی بی سی و من و تو و... در این رابطه هیچ پوشش خبری‌ای نداشتند و در سکوتی کامل به سر می‌برند، اما به طور گسترده به آمار بی‌خانمان‌ها و کارتن خواب‌های کشور ایران اشاره می‌کنند و با پروپاگاندای رسانه‌ای خود سعی دارند به سیاه نمایی علیه ایران بپردازند. علی علیزاده با انتشار توییتی در صفحه شخصی‌اش از آمار وحشتناک بی خانمان‌ها و کارتن خواب‌ها در انگلیس پرده برداشت و نوشت: «امروز از هر ۲۰۰ نفر در انگلیس و ولز یک نفر بی‌خانمان است. یعنی یا کارتن خواب خیابان است یا در سرپناهی موقت است. در لندن از هر ۵۳ نفر یک نفر بی‌خانمان است. و در کنزینگتون و چلسی (گران‌ترین محله بریتانیا) از هر ۲۹ نفر یک نفر بی‌خانمان است. دنی دورلینگ. مجله لندن ریویو».

میهمان کشی رسم ما نیست

ماجرای شکار غیرقانونی پرندگان مهاجر در فریدونکنار مدتی است که سوژه داغ رسانه‌ها و فضای مجازی شده است. پریناز ایزدیار در ارتباط با این ماجرا در اینستاگرامش نوشت: «از مردم شریف و بافرهنگ فریدونکنار تقاضا دارم، با خودداری از خرید لاشه پرندگان در بازار فریدونکنار، سایه تاریک بی‌رحمی، کشتار و قانون‌گریزی را از نام فریدونکنار و مازندران دور کنند. از زنان مهربان زادگاهم تقاضا دارم، لاشه‌های دردآلود این مسافران خسته را که به خاک ما پناه آورده‌اند در سفره‌هایشان نپذیرند. این لاشه‌ها علاوه بر درد، به قانون‌شکنی هم آلوده‌اند و محصول تخلفات سودجویانی هستند که نه تنها سرمایه‌های ارزشمند حیات وحش، بلکه آبروی همشهریانشان را هم فدای درآمد غیرقانونی و بادآورده می‌کنند. برای بازگرداندن میهمان‌نوازی و قانون به سرزمینمان، مادامی که در بازار فریدونکنار، لاشه پرندگان مهاجر به صورت غیرقانونی عرضه می‌شود، مازندرانی‌های عزیز بیایید بازار فریدونکنار را تحریم کنیم که قانون‌شکنی و میهمان‌کشی رسم ما نیست.»

بازهم شایعه پراکنی!

هشتگ #وحید_نصیری چند روزی است که در توییتر داغ شده است و شبکه‌های آن طرف آبی و بخشی از کاربران ادعا می‌کنند که وحید نصیری به علت اعتصاب غذا در زندان قم درگذشته است. در این بین بخشی از کاربران ماجرای درگذشت وحید نصیری را سیاسی کرده و در دنباله آن شروع به شایعه پراکنی در ارتباط با مرگ او کردند. این درحالی است که وحید نصیری اصلاً زندانی سیاسی نبوده و به جرم توهین به مقدسات مدتی پیش بازداشت شده بود. ماجرای اعتصاب غذای او هم ساختگی بوده و طبق اعلام دادستان قم این زندانی به علت بیماری کبدی و وخامت اوضاع به بیمارستان اعزام شده و بعد از هفت روز بستری بودن در همان بیمارستان فوت کرده است.

عکس: سید حمید هاشمی / قدس

گفت‌وگو با فاطمه معروفی معلولی که از ۲۰ سالگی تصمیم گرفت زندگی‌اش تغییر کند

نقاشی می‌کشم پس هستم

مردم/ عباسعلی سپاهی یونسی | فاطمه معروفی متولد ۱۳۶۱ در روستایی در حوالی مشهد است. بر خلاف فامیلش شاید معروف نباشد اما دختری است که می‌تواند الگویی برای من و شما باشد. او معلول است اما معلول بودن بهانه‌ای شده است برای این که او بیشتر و بیشتر تلاش کند. در ۲۰ سالگی وارد آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش مشهد شده اســـت و از آن زمان درس خوانده است، وارد دانشگاه شده است، همچنین نقاشی یاد گرفته است و نمایشگاه برگزار کرده است. اتاق روابط عمومی مؤسسه فیاض بخش جایی است که من با او گفت‌وگو می‌گیرم. حرف زدن اما برای فاطمه اصلا راحت نیســـت چون او تکلمش را از دست داده است. بنابراین سیده حشمت نبوی مدیر روابط عمومی مؤسسه به نوعی مترجم گفت‌وگوی ما می‌شود که با فاطمه حشر و نشر بیشتری داشته است. تا حالا گفت‌وگوهای غمگین و شاد زیادی گرفته‌ام اما در هیچ گفت‌وگویی آن قدر چشم هایم بارانی نشده بود که دوست داشته باشم گفت‌وگو را نصفه نیمه رها کنم و خودم را جای دنجی برسانم تا کمی اشک بریزم و این حالی بود که در جریان گفت‌وگوی فاطمه معروفی داشتم.

◆ معلول مادر زادی هستید؟

نه من سالم به دنیا آمده بودم. به مدرسه می‌رفتم و وقتی آن اتفاق بد افتاد من کلاس چهارم درس می‌خواندم. ما توی روســـتا زندگـــی می‌کردیم. مریض شـــده بودم و برای مداوا من را به مشهد برده بودند. من را برای مداوا به مطب دکتری برده بودند اما متاسفانه تزریق اشتباه دکتر باعث شد همه مسیر زندگی من عوض بشود. چند وقت بعد قدرت پاهایم کم کم از بین رفت طوری که دیگر نمی‌توانستم بدون کمک دیگران راه بروم.

◆ پس برای رفتن به مدرسه دچار مشکل شدید؟

بله. نمی‌توانستم راه بروم برای همین بعضی وقت‌ها پدرم من را کول می‌کرد و به مدرســـه می‌برد و بعضی وقت‌ها دوستانم دنبالم می‌آمدند و دو نفر زیر بازوهایم را می‌گرفتند و کمک می‌کردند که به مدرسه بروم. حتی یادم هست من را با فرغون به مدرسه می‌بردند. با گذشت زمان، اوضاعم بدتر شد. هر طور بود کلاس چهارم را تمام کردم و به کلاس پنجم رفتم اما بعد وضعم بدتر شد و دیگر قسمت‌های دیگری از بدنم از جمله دست‌ها هم درگیر شدند. برای همین دیگر در خانه ماندم. از بقیه خجالت می‌کشیدم و این باعث شد گوشه گیر بشوم. روحیه‌ام را از دست داده بودم. بعد از مدتی تکلمم هم دچار مشکل شد اول لکنت زبان پیدا کردم آن هم وقتی می‌خواستم مادر را تلفظ کنم نتوانستم میم مادر را بگویم این اتفاق برایم خیلی سخت بود و باورم نمی‌شد نتوانم صحبت کنم و کلمات را درست بگویم.

وقتی به خاطر معلولیتم خانه نشـــین شدم بعد از مدتی، به کارهای هنری علاقمند شـــدم. مثلا از تلوزیـــون گل چینی با خمیر یاد گرفتم. مادرم می‌رفت خمیرش را می‌گرفت و من گل درســـت می‌کردم و گلهایم را می‌زدم بـــه دیوار اتاق. گل چینی خرج داشت برای همین رفتم سراغ نقاشی کشیدن. هرچه می‌دیدم می‌کشیدم. مثلا طرح و نقش روی پرده خانه خودمان را نقاشـــی کردم، عکس داخل بشقاب‌ها، نقاشـــی‌های کتاب‌های درســـی، نقش قالی و خلاصه هـــر چیزی را که می‌دیدم.

با این کار خودم را ســـرگرم می‌کـــردم. آن زمان برادرهایم هنوز کوچک بودند برای همین خجالت نمی‌کشیدم که من را سوار فرغون بکنند و به باغ ببرند. آن جا هم نقاشـــی می‌کردم. مثلا تصویر روستا را می‌کشیدم.

> **برش**
>
> وقتی به خاطر معلولیتم خانه‌نشین شـــدم بعـــد از مدتی، بـــه کارهای هنـــری علاقمنـــد شـــدم. مثـــلا از تلوزیـــون گل چینـــی با خمیـــر یاد گرفتم. مادرم می‌رفت خمیرش را می‌گرفت و من گل درست می‌کردم و گلهایـــم را می‌زدم به دیوار اتاق. گل چینی خرج داشـــت برای همین رفتم سراغ نقاشی کشیدن

◆ عصا نداشتی؟

نه نداشتم اما یادم هست یک نفر در روستا فوت کرده بود. آن بنده خدا از عصای زیر بغلی استفاده می‌کرد بعد از مرگش عصایش را دادند به من که بتوانم راه بروم. به زور کمی راه می‌رفتم. یک روز وسط راه وقتی خسته شـــدم به یک دیوار کهنه گلی تکیه دادم که خستگی بگیرم آن جا به خدا گفتم: داری من را امتحانم می‌کنی؟ حســـم آن زمـــان این بود که خداوند دارد من را با معلولیتم امتحان می‌کند. با خودم فکر می‌کردم خداوند با به وجود آوردن آن شـــرایط قرار است درسی به من بدهد. نمی‌دانم شـــاید حاصل حرف‌هایی بود که درباره معلولیتم شنیده بودم. کم کم برادرهایم بزرگ شدند برای همین خجالت می‌کشیدند من را با فرغون جایی ببرند و با عصا هم نمی‌توانستم راه بـــروم. تنها جایی که می‌توانســـتم بروم خانه همسایه‌ها بود. دو تا از همسایه‌ها دختر داشتند و آن‌ها هم کلاسی من بودند. دخترها می‌آمدند و من را با فرغون به خانه خودشان می‌بردند. آن‌ها هم وقتی من را می‌بردند و یا بر می‌گرداندند که کسی توی کوچه نباشـــد تا هم من و هم آن‌ها خجالت نکشند چون من هم بزرگتر شده بودم.

◆ زمســـتان زندگی در روســـتا سخت‌تر می‌شود درست است؟

بله. تابستان هوا خوب بود و مشکل خاصی نبود ولی زمستان زندگی برای همه و از جمله من که شرایط خاصی داشتم سخت می‌شـــد. یکی از سختی‌ها رفتن به دستشویی بود. مخصوصا که دستشویی ما ته حیاط بود کـــه گودتر بود. با هر باران آن جا آب جمع می‌شد. خب دستشویی ما هم برای یک معلول مناســـب سازی نشده بود. مادرم کیسه کاه می‌گذاشت تا پاها و لباسهایم گلی نشود. توی خانه حمام نداشـــتیم برای همین مادرم از همسایه‌ها فرغون قرض می‌گرفت تا شب من را به حمام روستا ببرد. حالا فکرش را بکنید کوچه خاکی روستا در زمستان پر از گل و آب و چاله چوله بود.

◆ پس واقعا سختی کشیدی ؟

خیلی. خب آن زمان کوچه‌ها تاریک بود و باید با فانوس و سگمان می‌رفتیم. یادم هست یک بار که زمستان بود و باران هم آمده بود، فرغون به سنگی گیر کرد و من افتادم. لباس هام گلی شد.

برش ۱

◆ سنتان که بیشتر می‌شد در معلولیتتان تغییری ایجاد نشد یعنی بهتر نشدید؟

متأســـفانه معلولیتم بیشـــتر می‌شـــد. من هم کاری نمی‌توانســـتم بکنم غیر از این که غصه بخورم. خجالت می‌کشیدم از مردم روستا. دوست نداشتم من را در آن موقعیت ببینند. برای همین یـــک روز با مادر بزرگم و خاله‌ام پیش دکتری در مشهد رفتیم. آقای دکتر گفت باید ببریدش تهـــران وگرنه معلولیتش بیشـــتر می‌شود. هزینه‌ای که برای درمانم گفت ۱۰۰ هزار تومان بود و ما آن پول را نداشـــتیم برای همین نشد برویم. معلولیتم تا جایی پیش رفت که نمی‌توانستم بدون تکیه‌گاه بنشینم. وقتی به دیوار تکیه می‌دادم، ســـر می‌خوردم. کم‌کم طوری شـــد که باید دراز کشـــیده غذا می‌خـــوردم. با زانو راه میرفتم. برای همین ســـر زانوهایم زخم می‌شد و چـــرک می‌کرد. مـــادرم روی زخم‌هایم خمیر قند می‌گذاشت تا ســـر زخـــم باز بشـــود و چرک‌ها بیرون بیاند. کم کم طوری شد زانوی چپم حرکت نداشت برای همین پاچه شـــلوارم را می‌گرفتم تا بتوانم به جلو حرکت کنم. مادر بزرگم تحت پوش کمیته امداد بود برای همین گفتیم از این طریق ویلچری بگیریم. بعد از مدتی صاحب یک ویلچر شدم.

◆ پس راحت می‌توانستی رفت و آمد بکنی؟

با ویلچر کمی راحتتر بودم اما توی خانه نمی‌شـــد راه رفت. چون اتاق‌ها کوچیک بودند. توی کوچه‌ها هم پر از سنگ و چاله چوله بود برای همین ویلچر راحت راه نمی‌رفت. متأسفانه باز هم معلولیتم شدیدتر شد. تکیه گاه ویلچر پاره می‌شـــد و مادرم آن را می‌دوخت. کامل که خراب شد طناب بستیم تا بتوانم تکیه کنم اما طناب سر می‌خورد و پایین می‌آمد و من نمی‌توانستم تکیه کنم. جالب این بود که خیلی‌ها با دیدن وضعیت من می‌گفتند راه برو. فکر می‌کردند تنبلم اما من نمی‌توانستم راه بروم.

برش ۲

◆ چه جوری سر از آسایشگاه شهید فیاض بخش در آوردی؟

یک روز یکی از اقوام گفت: اگر راه نروی باید به آسایشگاه معلولین بـــروی و تنها و بدون خانواده زندگی کنی. آن موقع از شنیدن این حرف دلخور شدم.هر چند فهمیدم مادرم موافق نیســـت من به آسایشگاه بروم. اما کم کم خودم فکر کردم آسایشـــگاه بهتر اســـت چون آن جا آدم‌های مثل خودم هســـتند. با این حال مادرم با رفتن من موافق نبود. دوســـالی طول کشید تا مادر را راضی کردم. خلاصه مادرم به بهزیستی رفت و خیلی دوندگی کرد. من هم دیگر از خانه خسته شده بودم. می‌دیدم که بقیه هم به خاطر من ســـختی می‌کشند. آن جا بود که دعا کردم رفتنم درست بشود. مادرم یک روز به مشهد رفت تا آسایشگاه و شرایط آن را از نزدیک ببیند. وقتی برگشت پرســـیدم: چطور بود؟ دخترها و خانم‌ها جدا بودنـــد؟ مادرم گفت: نه. فقط بچه‌ها جدا بودند. بالاخره حدود ۲۰ سالگی به آسایشگاه آمدم. پذیرش شدم. وقتی وارد شـــدم جای خالی نبود بـــرای همین در نبود یک مددجو که به مرخصی رفته بود، موقتا تختش را به من دادند. وقتی هم برگشت، من را به سالن دیگری بردند.

◆ دور شدن از خانواده برایت سخت نبود؟

چـــرا خیلی هم برای آن‌ها هم برای من. مادرم تا مدتی هر روز به دیدنم می‌آمد. با اتوبوس راه طولانی روستا تا مشهد را طی می‌کرد. مادرم می‌آمد به دیدنم. جلوی من گریه نمی‌کرد اما بعد فهمیدم وقتی به خانه بر می‌گشت گریه می‌کرد. من هم شبها گریه می‌کردم تا وقتی روز مادرم به دیدنم می‌آمد متوجه نشود.

◆ از آمدن به آسایشگاه پشیمان نشدی؟

چند روزی که گذشت، مادرم گفت برادرهایم و خواهرم گفته‌اند من را به خانه برگردانند. گفته بودند جایم خالی اســـت. مادرم گفت می‌آیی به خانه برگردیم؟ من گفتم نه. کم کم با بعضی از بچه‌ها آشـــنا شدم. بعد از مدتی در موسسه برای تولد رسول اکرم جشنی برپا شد و من هم شرکت کردم. جشن خوبی بود و من آن جا بود که شاد شدم.

دو ماهی که گذشت من را به اتاق شماره ۱ بردند. اتاق تمیزی بود. کم کم دوســـتان جدیدی پیدا کردم. تحت نظر دکتر قرار گرفتم. دارو می‌خوردم و بهبود پیدا کردم و پیشرفت بیماری‌ام کمتر شد.

برش ۳

◆ چی شد که درست را ادامه دادی؟

بین دوســـتانم در آسایشـــگاه چند نفری بودند که به کلاس نهضت ســـواد آموزی می‌رفتند. من هم تصمیم گرفتم درس بخوانم. از این کـــه وقتم بیهوده هدر برود حالم بد می‌شـــد. دوست داشتم کار مفیدی انجام بدهم تا بعدها بگویم یادش بخیر، این کار من بوده اســـت. اما نمی‌دانستم چه کاری باید انجام بدهم هر چند می‌دانستم و دوست داشـــتم از وقتم درست استفاده کنم. یک روز رفتم پیش مدد کارمان خانم نجاتی گفتم می‌خواهم بروم کلاس نهضت. قبول کردند. کلاس نهضت که تمام شد، از یاورانی که با آسایشگاه همکاری می‌کردند خواستم به من زبان یاد بدهند. البته قبل از آن و در خانه برادرهایم حروف انگلیسی را به من یاد داده بودند. همزمان خواستم درسم را ادامه بدهم. برای همین رفتم پیش آقای رحیلی مســـئول آموزش. آن‌ها هم از درس خواندنم اســـتقبال کردند. برایم کتاب اول راهنمایی تهیه کردند. تعدادی از یاوران به من در یادگیری دروس ریاضی، زبان، علوم و... کمک کردند. چند ماهی که گذشت من را به کلاس اول راهنمایی بزرگسالان در بیرون از آسایشگاه بردند اما آن جا قبولم نکردند. حرفشان این بود با وضعیتی که من دارم اگر بیفتم و مشـــکلی پیش بیاید مسئولیت با چه کسی خواهد بود؟ گفتند من از بچه‌ها خیلی عقب ترم. گفتم خودم مواظب خودم هستم وخودم را می‌رسانم به بقیه خلاصه شدم شاگرد آن‌ها.

ترم اول معدلم شد ۱۸ و ادامه دادم. وقتی به خاطر فشار درس‌ها خســـته می‌شدم، پیش آقای رحیلی می‌رفتم و می‌گفتم من کشش ندارم خسته میشوم. قبول نمی‌شوم. ولی آقـــای رحیلی دائم به من روحیـــه می‌داد. خلاصه توانســـتم دیپلم بگیرم. من معلولیتـــم را نمی‌پذیرفتم. دائم خودم را با بچه‌های شـــاگرد اولی مقایسه می‌کردم. می‌گفتم من از نظر جســـمی معلولم نه از ذهنی پس با همکلاسی هایم فرقی ندارم.

◆ خب به دانشگاه هم رفتید؟

بله دوست داشتم هنر را به طور جدی‌تر دنبال کنم برای همین گفتم باید وارد دانشگاه بشوم. امتحان دادم و شدم دانشجوی هنرهای تجسمی گرایش نقاشی در دانشکده الزهرا. مقطع کاردانی‌ام که تمام شـــد، گفتم بهتر است درســـم را ادامه بدهم برای همین دوباره کنکور شرکت کردم و کارشناســـی را در دانشـــگاه فردوس ادامه دادم. هزینه تحصیلم را هم خیرین مرتبط با آسایشگاه پرداخت کردند و هم بخشـــی از آن را آسایشگاه و بخشی از آن را هم خانواده‌ام که جا دارد از همه آن‌ها تشکر کنم. دانشگاه رفتن من با سختی زیادی همراه بود. کلاس ما طبقه بالا بود. دوستانم کمک می‌کردند و ویلچرم را بلند می‌کردند و به طبقه بالا می‌بردند. این هم برای خودم سخت بود و هم برای آن‌ها ولی خوشحالم که همه آن سختی‌ها تمام شد و توانستم مدرکم را بگیرم. حالا به توصیه استادم بیشتر می‌خواهم روی نقاشی کار کنم و تجربه‌های بیشتری به دست بیاورم.

◆ به نظر خودت اگر معلولیتت پیش نمی‌آمد باز هم سراغ نقاشی می‌رفتی؟

من به نقاشـــی علاقه داشتم ولی اگر این اتفاق نمی‌افتاد شاید دنبال نقاشی نمی‌رفتم. معلولیت در جریان زندگی من تغییر بوجود آورد مثل تغییری که در زندگی خیلی از معلولین اتفاق می‌افتد. البته این را هم بگویم من پشتکارم خیلی زیاد اســـت وقتی کاری را شروع می‌کنم دوست دارم آن را هر جور شـــده است تمام کنم. الان در نقاشی کشیدن هم همین طور هستم وقتی یک تابلو را شروع می‌کنم تا تمامش نکنم ول کن نیستم. دوست دارم با کار و تلاشم کمی از محبت‌های خانواده، خیرین و آسایشگاه که خیلی در زندگی من تأثیر داشته‌اند را جبران کنم.

◆ الان هم به خانه می‌روی؟

بله در سال چند باری می‌روم و یا خانواده‌ام به دیدن من می‌آیند. الان این جا هم خانه ی من شـــده است. خانه خودمان را دوســـت دارم. الان خانه جدیدی ساخته‌ایم و مقداری برای معلولیت من مناسب سازی شده است ولی باز این جا بهتر است چون همه چیز مخصوص معمولان ساخته شده است.

◆ چه آرزویی داری؟

روزی آرزو داشـــتم بتوانم از آثار نقاشی‌ام یک نمایشگاه برپا کنم که خوشـــبختانه با کمک آسایشگاه این اتفاق افتاد. دوست داشـــتم دیگران که سالم هستند بیایند و نقاشی‌هایم را ببینند و از طرفی خوشحال بودم که تلاشم نتیجه داده است. الان دلم می‌خواهد که مستقل بشوم و آرزو دارم که بتوانم نمایشگاه بعدی‌ام در سطح کشور باشد و آدم‌های بیشتری بتوانند برای دیدن کارهایم بیایند.

پیشنهاد سفر

جاذبه‌ای جهانی در شهر گناباد

دالان‌های رمز آلود

وقتی حرف از جاذبه‌های جهانی ایران می‌شود، کمتر کسی به قنات‌های ایران فکـــر می‌کند و جاذبه‌ای همچون قنات قصبـــه گناباد در ذهنش می‌آید. شـــاید تا به حال با عکس قنات قصبه گناباد مواجه شده باشید اما ندانید که نام این جاذبه در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار دارد. ایـــن قنات که عنوان طولانی‌ترین قنات جهان را به خود اختصاص داده یکی از رمزآلودهای ایران محسوب می‌شود چرا که هنوز سوالات بسیاری درباره آن وجود دارد. نقشـــه قنات قصبه گنابـــاد در نوع خود بی نظیر است و مسیرهایش بسیار هوشمندانه در شهر گناباد پیشروی کرده‌اند. اگر می‌خواهید بیشـــتر درباره این اثر بی‌بدیل بدانید، گزارش پیش‌رو را از دست ندهید...

واقعا اسرار آمیز است؟

گناباد شهری در استان خراسان رضوی است که از کهن‌ترین شهرهای ایران به شـــمار می‌رود. همین کافیست تا راهی این شهر شوید و نگاهی به جاذبه‌هایش بیندازید؛ اما گل سرسبد این دیدنی‌ها، قنات قصبه است که عنوان بزرگترین، طولانی‌تریـــن و قدیمی‌ترین قنات جهان را یدک می‌کشد. مکانی که از آن با عنوان یکی از رمزآلودهای ایران یاد می‌کنند؛ قناتی با دالان‌های تاریک و سیاه که هنوز هم آب شهر را تأمین می‌کند اما کسی تا به حال سر از کارش در نیاورده است.

تا چند قدمی قنات قصبه هیچ چیز عجیبی به چشم نمی‌خورد و شاید این تصور به وجود بیاید که اسرار آمیز بودن این مکان شوخی بزرگی باشد که خیلی‌ها را از راه‌های دور و نزدیک به سوی خود کشانده است؛ اما وقتی وارد دنیایش شوید می‌فهمید که اینجا با سایر قنات هایی که شاید تا به حال دیده‌اید فرق دارد. هیچ کس تصوری از انتهای این قنات ندارد و تنها طول آن ۳۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود. قناتی که با ژرفای بیش از ۳۰۰ مترش شاهکار آبی جهان را از ۲۷۰۰ سال پیش به نمایش گذاشته است. بد نیســـت بدانید که این جاذبه مورد توجه گردشگران قرار دارد و بنا بر گزارشات در نوروز سال ۱۳۹۵ بیشتر از ۶۰ هزار نفر آن را دیده‌اند. اولین جشن ملی قنات‌های ایرانی به مناسبت ثبت قنات‌ها در فهرست جهانی نیز در این قنات برگزار شد.

آب‌رسانی خیلی دقیق

در سراســـر ایران چاه‌ها و قنات‌ها نقش مهمـــی در تأمین آب مورد نیاز انسان‌ها داشته‌اند اما قنات قصبه بسیار هوشمندانه‌تر از آنچه که تا به حال دیده‌اید طراحی شـــده است. تصور کنید در زمان‌های دور با آن امکانات محدود و ابتدایی این قنات حیرت‌انگیز چگونه شـــکل گرفته و با کدام محاسبات اینگونه دقیق آب را از اعماق زمین به سطح آن می‌رساند؟ شاید نیروی عجیبی در ســـازندگان آن وجود داشته است و شاید هم ما کمی بی‌انصافیم و انسان و هوشش را دست کم گرفته‌ایم!

در ادامه با هم به بررسی ساختار خاص این قنات می‌پردازیم:

۱- ورودی

قنات بزرگ قصبه، ۳ ورودی دارد:

یک ورودی بازســـازی شـــده با بتن و ارتفاع و عرض برابـــر ۱۷۰ و ۸۰ ســـانتی‌متر که مظهر قنات (آغاز قنات یا دهانه قنات) است. این ورودی پس از طی ۷۲۰ متر به قنات می‌رسد.

ورودی دوم که اکنون خشـــک شده اما بکر و دست نخورده باقی مانده و ۵۰۰ متر آن برای بازدید عمومی آماده شده است.

در تقاطع تونل سیمانی و تونل خشک هم یک ورودی وجود دارد؛ درست در جایی که آب قنات بعد از عبور از اعماق ۳۰۰ متری زمین و طی راهی طولانی تغییر مسیر می‌دهد و به تونل مصنوعی وارد می‌شود. در همین جای قنات است که راهی هم به سمت تونل خشک امتداد می‌یابد.

۲- دالان‌ها | از آغاز تا پایان

برای ورود به دنیای دالان‌های قنات باید پله‌ها را پشت سر بگذارید. تنها ۴۰ درصد دالان‌ها در دسترس است و معلوم نیست در ۶۰ درصد بقیه چه می‌گذرد؟! نسیمی که در درون قنات می‌وزد و طنین صدای آب ترکیب جذابی به نظر می‌رســـند و این دنیای رمزآلـــود را بیش از پیش دیدنی می‌کنند. حفره‌هایی روی دیوارها می‌بینیم که زمانی میزبان چراغ‌های پیه سوز و سایر وسایل روشنایی بوده‌اند و امروز در کنار ریشه‌های درختان بر روی دیواره قنات به خواب فرو رفته‌اند.

با مجموعه‌ای از دالان‌های تو در تو مواجهیم که در یک رشته اصلی به نام قصبه به طول ۱۳۱۳۵ متر و رشته‌های فرعی به نام‌های دولاب نو، دولاب کهنه، رشته فرعی اول و رشـــته فرعی دوم قصبه گسترش یافته است. ۴۲۷ چـــاه (دربرخی منابـــع ۴۷۰) در جای جای قنات قصبه و با فاصله ۵۰ متری از یکدیگر حفر شـــده‌اند که ۱۸۲ چاه آن در رشته قصبه قرار دارد. مادرچاه قنات که تأمین کننده آب است در دامنه شمالی سیاه‌کوه و در انتهای رشته دولاب نو و دره پرآب خانیک قرار دارد. این چاه با عمق حدود ۳۰۰ متر، دو شـــعبه اصلی و ۵ شاخه فرعی دارد و انباشت آب آن به ۲۸ متر می‌رسد. این قنات پرآب‌ترین قنات جهان است که ۱۵۰ لیتر در ثانیه آبدهی دارد.

افسانه‌های قنات قصبه

برخی مقنی‌ها از شخصی به نام طاهر باشناس نام می‌برند که در زمان‌های بسیار قدیم، با قدرت خاصش به دیوها دستور داد تا مجرایی بکنند و آب را از بالا دســـت به پایین برسانند. سپس گفت چاهی حفر کنند و آن را عمیق و عمیق‌تر ســـازند. می‌گویند سرزمین جنیان در میان پیچ و خم قنات قصبه واقع شده است و هر انسانی راه ورود به آن را بیابد، می‌تواند اموال آن‌ها را از آن خود کند.

بر اساس یکی از افسانه‌های قدیمی گناباد، دستور احداث قنات قصبه را فرمان بهمن، یکی از سلاطین قدیم ایران داد؛ آن هم برای کفاره گناهی بزرگ. او پس از ارتکاب یک گناه بزرگ خود را فاقد لیاقت سلطنت دانست اما موبدان گفتند برای کار بدش، یک کار نیک انجام دهد و به همه خیر برساند. بهمن، هزار قنات در مکان‌های بی‌آب اطراف قلمرو خود ساخت که قصبه یکی از آن‌ها بود.

سیر تطور تاریخی نظریه انقلاب در شیعه و مسیرمنتهی به ظهور به روایت دکتر محمد رجبی

عدل و قسط هدف اصلی انقلاب اسلامی است

تاریخ / ناهید لاله‌زاری | دکتر محمد رجبی در نخستین نشست از سلسله جلسات «بازاندیشی نظریه تاریخی انقلاب اسلامی؛ تأملات نظری و روش‌شـــناختی» که در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی برگزار می‌شود، با طرح این پرسش که «آیا ما انقلاب کرده‌ایم که فقط دارو و موشـــک و... بسازیم؟» گفت: «اگر ما مواردی از پیشرفت‌ها و دستاوردها را در پاسخ به چرایی انقلاب‌مان نام ببریم، خواهند گفت کشورهایی بوده‌اند که بدون انقلاب، همین دستاوردها و شاید خیلی بیشـــتر از آن را داشته‌اند». به اعتقاد وی «از ۲۲بهمن ۱۳۵۷ به این طـــرف، ما مرتب حرکت کردیم؛ بالا و پایین رفتیم؛ زمین خوردیم و بلند شدیم؛ درست مانند یک رودخانه. مهم این است که نگذاریم این رودخانه که به دریا منتهی می‌شود، خشک شود». دکتر رجبی با یادآوری شعار «تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد...» بر فراموش نکردن آن تأکید کرد و افزود: «بنا بر این شـــعار، کار انقلاب ما هنوز ناتمام است؛ فکر نکنیم کار تمام شده است. ما در ۲۲بهمن ۱۳۵۷ مانع سیاسی جریانی را که در یک فرایند طولانی به پیروزی انقلاب منجر می‌شود، از سر راه برداشتیم؛ لذا ما هنوز در حال انقلاب هستیم».

موضع انقلابی با روش‌های متفاوت

پس از پیامبر اســـلام(ص)، شیعه با به رسمیت نشناختن وضع موجود، عملاً یک موضع انقلابی داشته و اعتقاد داشته است که وضع موجود باید به کلی دگرگون شود؛ اما روش شیعه در طول تاریخ متفاوت بوده اســـت و سیره متفاوت اهل‌بیت(ع) بر این ادعا صحه می‌گذارد. امام حســـین(ع) قیام می‌کند؛ امام حســـن(ع) مجبور به صلح می‌شود؛ امام باقر و امام صـــادق(ع) به بیان اصول مبنایی «آنچه باید باشـــد و آنچه نباید باشد» می‌پردازند و... بنابراین اعتراض به وضع موجود وجه اشتراک همه است اما با روش‌های مختلف. البته با توجه به فرقه‌سازی‌های صورت گرفته، یک فرایند روشن تاریخی که بتوان به عنوان خط سیر انقلاب دنبال کرد، در میان شیعیان وجود ندارد. در تاریخ شیعه حرکت‌هایی ضد وضع موجود کم نداشـــتیم، اما این حرکت‌ها غالباً تحت ولایت امام معصوم نبوده اســـت؛ مانند قیام زید یا قیام محمد نفس زکیه کـــه حتی حاضر بود امام را بـــه خاطر اینکه از او پشتیبانی نکرده، بکشد.

امام حسن عسکری(ع) در تحف‌العقول طی نامه‌ای به شیعیان می‌فرمایند که شما شیعیان باعث رنج ما شـــدید؛ از طرف معصومین گله زیاد اســـت از شـــیعیان ظاهری و کسانی که می‌گویند ما پیرو اهل‌بیت(ع) هســـتیم. ۶ نفر از همین شیعیان از مدینه به دیدار امام رضا(ع) در مرو رفتند؛ تا چند روز که ادعای شیعه بودن داشتند پذیرفته نشدند اما وقتی خود را دوستدار امام معرفی کردند، امام ایشان را پذیرفتند و علت را برایشان توضیح دادند. شیعه یعنی پیرو، یعنی پا جای پای امام گذاشتن، یعنی من هر جایی که هستم ببینم امام رضا(ع) چه می‌کرد، من هم دقیقاً مانند ایشان عمل کنم؛ کدام‌یک از ما این‌طور هستیم؟

انقلاب سربداران در راستای نظریه ظهور

در تاریخ تشیع قیام زیاد داریم؛ یکی از قیام‌ها که ویژگی‌های یک انقلاب را دارد، انقلاب سربداران است. روس‌ها و مارکسیست‌ها درباره این انقلاب

برش

هرجـا عدالـت باشـد به اسـلام نزدیـک اسـت و هرجـا عدالـت نباشـد، هرچقـدر مناره مسـجد هم ساخته شـود فایده‌ای ندارد. مگر بنی‌امیه کم مسجد ساختند؟ عدالـت اصل اسـت و از عدالت مهم‌تر قسـط اسـت و ما هنوز با آن‌ها خیلی فاصله داریم

زیاد نوشـــته‌اند ولی متأســـفانه ما درباره آن کم می‌دانیم. نظریه تاریخی شـــیعه بـــه ظهور امام زمان(عج) و تغییر کلی جهان منتهی می‌شـــود و ســـربداران این نظریه را دنبـــال کردند. جالب اســـت که آن‌ها متصوفه و شیعه بودند، از سلسله بسطامیه، که در مقابل مغول قیام کردند و گفتند که می‌خواهیـــم نمونه حکومت امام زمان(عج) را بسازیم. کتاب «عروج و خروج سربداران» و کتاب «نهضت سربداران» را ببینید؛ در کتاب دوم آمده اســـت که آن‌ها چنان حکومت و عدالتی را برقرار کردند که مردم شب‌ها درهای خانه‌هایشان را باز می‌گذاشـــتند و با آرامش می‌خوابیدند؛ یا وقتی به ســـفرهای طولانی می‌رفتند، همســـایه‌ها به گوســـفندها و ماکیان آن‌ها رسیدگی می‌کردند؛ به‌طوری که تعدادشـــان دو یا چند برابر می‌شد. آن‌ها وقتی خواســـتند برنامه انقـــلاب را تنظیم کنند، از فقهای لبنان کمک گرفتند؛ از شـــهید اول قانون فقهی خواستند و ایشان کتاب لُمعه را فرستاد که مناسب نظام انقلاب نبود؛ چون محل انقلاب و محل نوشـــتن قانون دو کشور جدا بود. سرانجام، این انقلاب به علت مسائل نفسانی و نبود ساختارهای محکم دچار اختلافات درونی شد و رفته رفته از هم پاشید.

از رنسانس صفویه تا مشروطه قلابی

دیگر خبری از انقلاب نیست تا انقلاب مرعشی‌ها که توســـط قوام‌الدین مرعشی که هم فقیه و هم عارف بود، شـــروع شـــد. او هم مانند سربداران از سلســـله بســـطامیه بود و با حرام کردن خرید و فروش زمین‌های بایر، یک شـــبه فئودالیســـم را برچید. صفویان جانشـــین آنان شدند. آن‌ها هم متصوفه بودند ولی فاقد اندیشـــه‌های مرعشی‌ها و ســـرباداران. آن‌ها توانســـتند تشـــیع را مذهب رسمی کشور اعلام کنند. سپس از علمای لبنان درخواســـت کردند که به ایـــران بیایند و به این ترتیب رنسانســـی در دوره صفویه شروع شد و با آن حداقلی که در سربداران و مرعشیه بود، فاصله داشت. بعد از فروپاشی صفویه به دست افغان‌ها، سلسله‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی روی کار آمدنـــد. در تمام این مدت، در گوشـــه و کنار قیام‌هایی علیه ظلم اتفاق می‌افتاد ولی به عنوان یک نظریه انقلابی که تکوینش به امروز برســـد، مطرح نبود. وقتی در دوره جدید، انقلاب فرانسه به وقوع پیوست و نظام سلطنتی به نظام جمهوری تبدیل شد، دنیا تکان خورد؛ علمای شیعه هم به فکر ایجاد یک نظام مناسب افتادند اما یک نظام سیاسی، نه یک نظام اجتماعی و تمدنی که بتواند همه چیز را تغییر دهد. البته عده‌ای نگذاشتند به نتیجه برسد؛ با توطئه فراماسونری، مشروطه قلابی را جایگزین انقلاب مردم کردند و بنابراین اوضاع تغییری نکرد و همان شاهزاده‌ها به عنوان وکیل در مجلس نشستند. آن قدر مشروطه مسخره بود که شـــیخ فضل‌الله نوری را شهید کردند به این بهانه که مخالفت ایشان با مشروطه به نفع استبداد تمام شـــده اســـت. در حالی که وقتی طرفداران مشروطه وارد تهران شدند، با عین‌الدوله که قاتل مشروطه‌خواهان و صدراعظم سابق مستبدان بود، عکس یادگاری گرفتند و دو دوره او را صدراعظم انقلاب کردند!

استبداد به اسم مشروطه!

مشروطه به آنجا رسید که در زمان رضاشاه هر بار طرحی را به مجلس می‌آورد، منتظر می‌نشست و می‌گفت: «بگویید زودتر این را تصویب کنند قبل از این که بگوییـــم در این طویله را گل بگیرند». در دوران پهلوی دوم، شـــاه شد مؤسس و رئیس حزب، در حالی که هیچ پادشاه مشروطه‌ای قانوناً نمی‌توانست به‌طور مستقیم وارد مسائل سیاسی شود، چه برســـد به اینکه حزب تشکیل بدهد و بشـــود رئیس حزب. ســـرانجام مردم از ظلم به ستوه آمدند، چون فشـــار رژیم پهلوی زیاد شده بود؛ ســـاواک مفهوم جرم سیاســـی را گسترش داده بود و علاوه بر تعداد زیاد کشته‌شـــدگان در اعدام‌ها و زندان‌ها و خیابان‌ها، از هر قشـــری در زندان‌ها فـــراوان بود. این همـــه باعث هیجان و غلیانی در جامعه شـــد که با وجود رهبری مانند امام خمینی(ره) که تقدســـی ویژه داشت، مانند توفانی سد رژیم را شکست.

«عدل و قسط» مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی

سال ۱۳۵۹ که دانشگاه‌ها تعطیل شد، من سؤال ســـاده‌ای مطرح کردم که نـــه آن زمان و نه تا به حال، کسی جواب نداده است و آن سؤال این است که «از آنجایی که انقلاب یعنی زیر و رو شـــدن، نفی یک چیز و اثبـــات چیز دیگر، ما چه چیزی را می‌خواهیم نفـــی و محو کنیم و چه چیزی را می‌خواهیم به جایش بگذاریم»؟

هدف ما از انقلاب چه بود؟ ما می‌خواستیم انقلابی بســـازیم که تا نهضت حضرت مهدی ارواحنافداه ادامـــه یابد. امام مهدی(عج) قرار اســـت چه کار بکند؟ جایی نگفته‌اند کـــه امام می‌آید تا همه را مسلمان و شیعه کند؛ اما این را گفته‌اند که ایشان می‌آید تا عدالت و قسط را برقرار کند؛ عدالت یعنی عدم تبعیض و قسط یعنی عدالت حقیقی که مورد رضایت خداست. وقتی قسط و عدل در دنیا اجرا شود، مردم خود به خود به طرف اسلام می‌آیند. علت اینکه در اصول دین بعد از توحید، عدل است همین است؛ چون خدا عادل است، برای هدایت ما پیامبر فرستاده است؛ مسئله امامت و معاد هم به عدالت خداوند برمی‌گردد.

هرجا عدالت باشد به اسلام نزدیک است و هرجا عدالت نباشد، هرچقدر مناره مسجد هم ساخته شـــود فایده‌ای ندارد. مگر بنی‌امیه کم مســـجد ساختند؟ عدالت اصل اســـت و از عدالت مهم‌تر قسط است و ما هنوز با آن‌ها خیلی فاصله داریم. امام خمینی(ره) فرمودند: اگر ما درســـت حرکت کنیم، حداقل سه نسل دیگر باید بگذرد که بگوییم انقلاب کردیم.

آنچه باید ثمره انقلاب اســـلامی باشـــد، عدالت به معنای عام اســـت؛ نه تنهـــا در دادگاه‌ها بلکه در همـــه چیز. اگر به اینجا رســـیدیم، می‌توانیم بگوییم جلو رفتیم؛ بنابراین مـــا در حال انقلاب هستیم و انتقادها هم در همین مسیر است. باید از سیاست‌بازی بیرون بیاییم و حقیقت را بگوییم. این انتقادها رحمت اســـت تا از ساده‌لوحی خارج شویم و ان‌شاءالله در مسیر اصلی انقلاب اسلامی که اجرای عدالت و قســـط است، قرار بگیریم و تا نهضت مهدی موعود امتداد پیدا کنیم.

خبر

«جریان‌شناسی فتنه از صدر اسلام تا کنون» در حرم مطهر رضوی

تاریخ: همایش «خط روشنگری» با موضوع «جریان‌شناسی و راهبرد مهار فتنه از صدر اسلام تا کنون» با همکاری معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی سپاه امام رضا(ع)، جبهه فکری فرهنگی انقلاب اسلامی و مرکز علمی، آموزشی و پژوهشی حسینیه فرهنگی قرآن و عترت، در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، ۲۸ و ۲۹ آذر ۱۳۹۷ برگزار می‌شود. در این برنامه دکتر محمدحسین رجبی دوانی با موضوع «فتنه در صدر اسلام»، دکتر جواد منصوری با موضوع «فتنه در دهه ۱۳۶۰»، دکتر علی غلامی با موضوع «فتنه در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸» و دکتر عادل پیغامی با موضوع «فتنه امروزی» به سخنرانی خواهند پرداخت. این برنامه از ساعت ۱۵ تا ۲۰ در سالن همایش‌های روابط عمومی آستان قدس رضوی واقع در پارکینگ شماره یک حرم مطهر رضوی برگزار خواهد شـــد. علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام حداکثر تا تاریخ ۲۵ آذرماه به سایت razavi.aqr.ir مراجعه کنند.

فراخوان مقاله کنگره بین‌المللی بزرگداشت آیت‌الله العظمی حاج سیدمحمود شاهرودی(ره)

معارف: فراخوان مقاله کنگره بین‌المللی بزرگداشت آیت‌الله العظمی حاج سیدمحمود شاهرودی(ره) منتشر شـــد. بنا بر اعلام دبیرخانه علمی این کنگره، محققان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه می‌توانند مقالات علمی و پژوهشی خود در موضوعات «میراث فقهی و اصولی»، «میراث جاودان وقف»، «نهضت امام خمینی(ره)»، «روش‌شناســـی اجتهاد و فقاهت»، «حوزه‌های علمیه و مرجعیت»، «سرگذشت علمی»، «خدمات اجتماعی» و «سیره عملی» را با محوریت آیت‌الله العظمی شـــاهرودی(ره) به دبیرخانه کنگره ارسال کنند. زمان ارســـال چکیده مقالات تا پایان دی ماه ۱۳۹۷ و ارسال اصل مقالات تا پایان بهمن ماه ۱۳۹۷ اعلام شده است. اصل مقالات باید در قالب استانداردهای ساختاری و محتوایی علمی و به صورت فایل pdf و word، به نشانی پست الکترونیکی: info@mshahroudi.com و یا دبیرخانه علمی کنگره به نشانی «قم، خیابان دور شهر، کوچه ۲۲، پلاک ۴۵» ارسال شود. کنگره بزرگداشت آیت‌الله العظمی سیدمحمود شاهرودی(ره) با حضور مراجع تقلید، اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در قم برگزار خواهد شد.

وضعیت جنبش دانشجویی در ایران بررسی می‌شود

مهر: نشســـت «جنبش دانشجویی در ایران؛ گذشـــته، حال و آینده» با ســـخنرانی دکتر عماد افروغ برگزار می‌شود. در این نشست که امروز، ۲۴ آذرماه از ساعت ۱۴ تا ۱۶ به‌همت معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی برگزار خواهد شـــد، درباره وضعیت جنبش دانشجویی در کشور طی دوره‌های مختلف بحث و گفت‌وگو می‌شود.

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه:۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۲۸۰۰۰۱۹۷/۱

بدینوسیله به مراد علی رمضانی فرزند رمضان به شـماره ملی ۰۷۷۹۲۰۰۸۰۲ و شماره شناسنامه ۳۳۶ متولـد ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ بدهکار پرونده کلاسـه ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۲۸۰۰۰۱۹۷/۱ که برابر گزارش مامور پست شناخته نگردیده اید ابلاغ می گردد که برابر سند رهنی شماره ۵۵۵۲-۱۳۹۴/۳/۷ دفتر اسـناد رسـمی ۶ درگز بین شما و بانک ملی درگز مبلغ چهار صد و هشتاد و یک میلیون و یکصد و شـصت و چهار هزار و دویسـت و نود و سه ریال بدهکار می باشید که روزانه مبلغ صد و نود و یک هزار و چهارصد و پنجاه و هشت ریال بدان اضافه خواهد گردید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواسـت صدور اجرائیه نموده پس از تشـریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه فوق در این اجراء مطرح می باشـد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین نامه اجرائی مفاد اسـناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشـار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.۹۷۱۴۱۶۴

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی درگز
ناصر حسن زاده

ابلاغ وقت رسیدگی

به ۱-سمیه فلاح فرزند محمدحسین۲-رضا میری فرزند محمدابراهیم ابلاغ که بانک قرض الحسنه مهرایران دادخواسـتی به خواسته مطالبه وجه علیه شما ارائه که به کلاسه ۵/۹۷/۶۴۴ ثبت و برای مورخه ۹۷/۱۰/۳۰ سـاعت ۱۶:۳۰ وقت رسـیدگی تعیین گردیده اسـت. شـما می توانید قبل از رسـیدگی به شـعبه مراجعه و ضمن اعلام آدرس خود نسخه ثانی دادخواست را دریافت نمائید. (م الف ۹۷/۱۰۰/۱۳۵۱)آ۹۷۱۴۱۶۱

شعبه ۵ شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

ابلاغ دادنامه

بـه جـواد عیدی فرزند علی ابلاغ می گردد که اسـماعیل افجنگی فرزند حسـین دادخواسـتی به خواسـته مبلغ یکصـد میلیون ریال بابت یک فقره چک وهزینه های دادرسـی ونشـر آگهی و نیز خسـارت تاخیرتادیه از تاریخ ۹۶/۵/۷ الی یوم الوصول علیه شـما به این شعبه ارائه که حسب رای شماره ۳۴/۱۸۰ به شرح خواسته مذکورمحکوم گردیده اید. رای صادره غیابی ظرف بیست روز قابل واخواهی می باشد. (م الف ۹۷/۱۰۰/۱۳۴۱)آ۹۷۱۴۱۶۲

شعبه ۱۱ شورای حل اختلاف سبزوار

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زابل
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهـی موضوع مـاده ۳ قانون و مـاده ۱۳آیین نامه قانـون تعیین تکلیف وضعیـت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سـند رسـمی،برابر رای شـماره ۱۳۹۷۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۰۱۸۹-۱۳۹۷/۰۱/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان های فاقد سـند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای امیر ناروئی فرزند الله داد بشـماره شناسـنامه ۷۶۸ صادره از زابل در شـشـدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۴۴۳۹۰ متر مربع در قسـمتی ازپلاک ۱۱۷ فرعی از ۴۰ اصلی واقع در بخش ۶ سیسـتان شهرستان هیرمند روستای میلک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشـار آگهی می شـود در صورتی که اشـخاص نسبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید ، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .
توضیحـات: با حقابـه از رودخانه هیرمند با رعایت قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها موضوع رای اصلاحات اراضی ۱۰۶۸۲ مورخ ۱۳۴۵/۰۳/۱۶
تاریخ انتشار نوبت اول:شنبه ۱۳۹۷/۰۹/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم:یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۰۹
م الف:۱۴۸۷ آ۹۷۱۴۱۹۳

ابراهیم شاهبازی اول- رئیس ثبت اسناد املاک زابل

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زابل
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهـی موضوع مـاده ۳ قانون و مـاده ۱۳آیین نامه قانـون تعیین تکلیف وضعیـت ثبتی اراضی و سـاختمان های فاقد سـند رسـمی،برابر رای شـماره ۱۳۹۷۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۰۸۵۳-۱۳۹۷/۰۲/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان های فاقد سـند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای امیر ناروئی فرزند الله داد بشـماره شناسـنامه ۷۶۸ صادره از زابل در شـشـدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۳۳۰۰ متر مربع در قسـمتی ازپلاک ۱۱۷ فرعی از ۴۰ اصلی واقع در بخش ۶ سیسـتان شهرستان هیرمند روستای میلک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشـار آگهی می شـود در صورتی که اشـخاص نسبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید ، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .
توضیحات: بموجب نامه شـماره ۲۱/۱۲/۴۶۰ مورخ ۹۷/۲/۱۰ مدیر جهاد کشاورزی هیرمند و تایید نقشه با رعایت حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها بصورت ششدانگ بلامانع می باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول:شنبه ۱۳۹۷/۰۹/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم:یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۰۹
م الف:۱۴۸۶ آ۹۷۱۴۱۹۴

ابراهیم شاهبازی اول- رئیس ثبت اسناد املاک زابل

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زابل
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهـی موضوع مـاده ۳ قانون و مـاده ۱۳آیین نامه قانـون تعیین تکلیف وضعیـت ثبتی اراضی و سـاختمان های فاقد سـند رسـمی،برابر رای شـماره ۱۳۹۷۶۰۳۲۲۰۰۲۰۰۰۱۸۴-۱۳۹۷/۰۱/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان های فاقد سـند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زابل تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای امیر ناروئی فرزند الله داد بشـماره شناسـنامه ۷۶۸ صادره از زابل در شـشـدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۳۷۸۰۴ متر مربع در قسـمتی ازپلاک ۱۱۷ فرعی از ۴۰ اصلی واقع در بخش ۶ سیستان شهرستان هیرمند روستای میلک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشـار آگهی می شـود در صورتی که اشـخاص نسبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید ، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .
توضیحات: حقوق ارتفاعی و صاحبان آن با حقابه از رودخانه هیرمند بر طبق معمول و رعایت قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها موضوع رای اصلاحات اراضی ۱۰۶۸۲ مورخ ۱۳۴۵/۰۳/۱۶
تاریخ انتشار نوبت اول:شنبه ۱۳۹۷/۰۹/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم:یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۰۹
م الف:۱۴۸۵ آ۹۷۱۴۱۹۷

ابراهیم شاهبازی اول- رئیس ثبت اسناد املاک زابل

دادنامه

شماره کلاسه پرونده ۵۵۱/۹۷ ح۱۱۵ح تاریخ رای۹۷/۹/۱۷
خواهان : آقای مجید ترکمند فرزند محمد ساکن تویسرکان اسلام آباد کوچه همت
خوانـدگان : آقای محمد حسـن منتظـر فرزند مجید-۲- آقای مجید مولایـی فرزند پرویز- هر دو ساکن فعلا مجهول المکان
خواسته: الزام به تنظیم سند
گردشـکار: قاضی شـورا با مشورت اعضای شورا پس ازاعلام ختم رسـید گی مبادرت به صدوررای می نماید.

رای شورا

در خصـوص دعـوی آقای مجید ترکمند فرزند محمد به طرفیت آقایان محمد حسـن منتظرفرزند مجید و مجید مولایی فرزند پرویز به خواسته الزام و محکومیت خوانده به تنظیم سند یک دستگاه خودرو سـواری پراید مدل ۷۷ به شـماره انتظامی ۸۴۱ د ۸۷ ایران ۳۸ مقوم به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ تومان بانضمام خسارات دادرسی که خواهان خواسته خود را مفادا چنین بیان داشته ((طبق قرارداد فی مابین من از خوانده ردیف اول یک دسـتگاه خودرو با مشـخصات فـوق خریداری نموده ام که سـند بنام خوانده ردیف دوم می باشـد و تا بحال از تنظیم سـند بنام اینجانب خودداری گردیده اسـت که تقاضای رسـیدگی وفق ستون خواسـته را دارم)) خواندگان با ابلاغ و استحضار ازوقت در جلسه رسیدگی حاضر نشدند و لایحه و دفاعیه ای تقدیم نکرده اند شورا با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده، دادخواسـت تقدیمی و ضمائم آن و اظهارات خواهان در جلسه رسیدگی و تصویر مبایعه نامه و استعلام انجام شده از پلیس راهور که موید صدق اظهارات خواهان می باشد لذا دعوی خواهان را وارد و ثابت دانسـته ومسـتندا به مواد ۱۹۸-۵۱۵-۵۱۹ از قانون آیین دادرسـی مدنی و مواد ۱۰ و ۲۱۹ و ۲۲۳ قانون مدنی حکم به الزام خوانده ردیف دوم به حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی و انتقال سند رسمی یک دستگاه خودروسواری پراید مدل ۷۷ به شماره انتظامی ۸۴۱ د ۸۷ ایران ۳۸ در حق خواهان و پرداخت مبلغ ۴۱/۰۰۰ بابت هزینه دادرسی و مبلغ ۳۰/۰۰۰ تومان بابت هزینه نشـرآگهی صادرو اعلام می دارد و اما در خصوص خوانده ردیف اول با توجه به اینکه دعوی ارتباطی با ایشان ندارد لذا مستندا به ماده ۸۹ از قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به بند ۴ ماده ۸۴ همان قانون قراررد دعوی خواهان صادرمی گردد رای صادره غیابی وظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی درهمین شعبه و پس از آن ظرف همان مهلت قابل تجدید نظردرمحاکم عمومی حقوقی تویسرکان می باشد.(م الف ۳۲۶)آ۹۷۱۴۱۶۰

قاضی حوزه ۱۱۵ شورای حل اختلاف تویسرکان - محمد ساسانی

رونوشت آگهی حصروراثت

نظربه این که آقای محمد صاحبی دارای شناسـنامه شماره ۱۵ به شرح داد خواست به کلاسه ۹۷۰۵۷۵ ازاین شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان علی صاحبی به شناسنامه ۸ درتاریـخ ۹۷/۷/۲۷ دراقامتـگاه دائمی خود بـدرود زندگی گفته وورثه حین الفـوت آن مرحوم منحصر است به :
۱- محمد صاحبی ف علی ش ش ۱۵ ت ت ۱۳۶۴/۵/۲ فرزند مرحوم
۲- حسین صاحبی ف غلامرضا ش ش ۱۷ ت ت ۱۳۶۲/۱/۱ فرزند مرحوم
۳-حسن صاحبی ف غلامرضا ش ش ۵۲۷ ت ت ۱۳۴۵/۶/۱ فرزند مرحوم
۴- مهدی صاحبی ف غلامرضا ش ش ۶۲۸ ت ت ۱۳۵۱/۳/۱۰ فرزند مرحوم
۵- هادی صاحبی ف غلامرضا ش ش ۷۱۸ ت ت ۱۳۵۵/۶/۲۰ فرزند مرحوم
۶-فاطمه صاحبی ف غلامرضا ش ش ۶۶۳ ت ت ۱۳۵۳/۲/۱ فرزند مرحوم
۷-معصومه صاحبی ف غلامرضا ش ش ۵۵۴ ت ت ۱۳۴۷/۱۰/۳ فرزند مرحوم
۸-مریم سید موسوی ف کاظم ش ش ۲۰۲۱ ت ت ۱۳۲۹/۱/۱۰ همسر مرحوم
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور رابه استناد ماده ۳۶۲ق امورحسبی یک نوبت آگهی می نماید تاهرکس اعتراضی دارد ویا وصیتنامه ازمتوفی نزد اوباشـد ازتاریخ نشـرآگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. تاریخ انتشار : ۲۴ آذر آ۹۷۱۴۱۵۲

قاضی شورا- شعبه یک شورای حل اختلاف شهرستان

شماره: ۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۳۹۱۳
تاریخ : ۱۳۹۷/۰۹/۵
اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۳۸۴۹ - ۱۳۹۷/۰۸/۳۰ هیـات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وسـاختمانهای فاقد سـند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فریده سـلامیان فرزند احمد بشـماره شناسـنامه ۷۶۹ صادره از مشـهد و شماره ملی ۰۹۴۳۱۵۳۱۸۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۱۰۳۴/۴۱ متر مربع قسـمتی از پلاک ۲۲۲۴ فرعی از ۴۳۳- اصلـی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت محمد علی چاجی محرز گردیده است .
لـذا به منظور اطلاع عمـوم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شـود درصورتی که اشـخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض ، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی اسـت درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ- ۹۷۱۳۴۴۹
تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۷/۹/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۳۹۷/۹/۲۴
علی فضلی
رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

شماره: ۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۳۹۱۵
تاریخ : ۱۳۹۷/۰۹/۵
اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۳۸۴۷ - ۱۳۹۷/۰۸/۳۰ هیـات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وسـاختمانهای فاقد سـند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمود اصلاح فرزند علی رضا بشـماره شناسـنامه ۲۰۵ و شماره ملی ۰۶۵۱۶۵۹۶۷۱ نسـبت به یازده سهم مشاع از سـیزده سهم ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۷۰/۴۰ متر مربع قسـمتی از پلاک شـماره ۲۰ فرعی از ۱۴۲۷ – اصلی بخش ۲ بیرجند از محل مالکیت اقای علیرضا اصلاح محرز گردیده است .
لـذا به منظور اطلاع عمـوم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شـود درصورتی که اشـخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض ، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی اسـت درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد ش

نیمار و دمبله معاوضه می‌شوند!

ورزش: به گفته برخی از رسانه‌های اسپانیایی دو باشگاه بارسلونا و یاری سن ژرمن در حال بررسی معاوضه عثمان دمبله و نیمار به همراه مقداری پول هستند. پارسی‌های از اینکه ممکن است به دلیل رعایت نکردن فیرپلی مالی مجبور به فروش امیابه یا نیمار شوند به احتمال زیاد در این انتقال نهایت همکاری را می‌کنند و بارسلونا هم آماده است تا ستاره سابق و برزیلی خود را به این تیم برگرداند. دمبله هر چند امسال نمایش درخشانی داشته ولی بی‌انضباطی‌های او مسئولان و کادرفنی آبی انارک‌ها را کلافه کرده بعید نیست که این انتقال رخ دهد.

یووه با ۸۰ میلیون یورو دنبال پوگبا

ورزش: باشگاه یوونتوس آماده است تا با آلانه پیشنهادی ۸۰ میلیون یورویی پل پوگبا را از منچستریونایتد به خدمت بگیرد. اینده این هافبک فرانسوی در ماه‌های اخیر در ایهام قرار گرفته و گزارش‌ها حاکی از آن است که پوگبا قرار و مقصد احتمالی دارد و یوونتوس و بارسلونا جدی‌ترین مشتریان او هستند. قهرمان چند سال اخیر سری‌ا احتمالا در ماه اینده پیشنهاد خود را به منچستر ارسال خواهد کرد و صورتی که در جلب این بازیکن به مشکل بخورند به دنبال جذب ایسکو از رئال مادرید خواهند بود.

کی‌روش:

لیست ۲۳ نفره ما لیستی بسته نخواهد بود

ورزش: کارلوس کی‌روش در گفت‌وگو با سایت فدراسیون فوتبال روند بررسی و معرفی بازیکنان طی چند روز اینده را تشریح کرد.

کی‌روش در پاسخ به سوالی درباره اینکه پس از اعلام لیست ۲۵ نفره آماده‌باش، قدم بعدی چه خواهد بود، گفت: مطمئنا قدم بعدی بسیار شفاف و مشخص است. ما خودمان را مهیای اعلام لیست تیم ملی در صبح روز یکشنبه خواهیم کرد. متاسفانه برای جنگیدن برای منافع تیم ملی را قطعا تک تک بازیکنان من خواهند داشت. این ۲۳ بازیکن مطمئنا آماده هستند خودشان را برای تیم فدا کنند و همانطور که همیشه گفتیم پیراهن تیم ملی را فراتر از منافع شخصی خودشان دانسته و خواهند داشت.

سرمربی تیم ملی فوتبال کشورمان در پاسخ به سوالی درباره مسابقات جام ملت‌های اسیا گفت: همه می‌دانند که ما به این مسابقات با توقعات بالا از تیم ملی وارد خواهیم شد ولی ما نگرش برنامه‌اماده‌سازی ما به‌خاطر برخی مشکلات و موانعی که پیش رو داشتیم تغییر کرد و مجبور شدیم برنامه را با موانعی که بر سر راه داشتیم تطبیق بدهیم. با در نظر گرفتن این مشکلات، مجبور شدم لیست نهایی را زودتر از زمانی که توقع آن را داشتیم اعلام کنیم.

وی تاکید کرد: البته باید ذکر کنم که چند روز اینده روزهای حیاتی و قابل تعمقی از بُعد بررسی‌های فنی خواهد بود. بازیبینی‌هایی که من شخصا بر روی هر کدام از بازیکنان خواهم داشت. من به همراه سایر اعضای کادر عملکرد فنی، بازیکنان را یک تحلیل مجدد عمیق در چند روز اینده بررسی خواهیم کرد. در نتیجه باید تلفیقی از پایه‌های کلی تیم که ما اماده جام‌جهانی روسیه کردیم و همینطور شرایط فعلی که ما با آن مواجه هستیم ایجاد کنیم و باید تصمیم ما تلفیقی از این دو حالت را به همراه داشته باشد. سرمربی تیم ملی فوتبال کشورمان در پاسخ به سوالی درباره وضعیت بازیکنان مصدوم تیم ملی افزود: البته باید اعتراف کنم که طی چند هفته گذشته نگرانی زیادی در مورد بازیکنان مصدوم تیم داشتم. در چند روز اینده به همراه کادرم روز و شب، ساعت‌ها و ساعت‌های طولانی عملکرد فنی بازیکنان را مورد بررسی مجدد قرار خواهیم داد. ما همه اطلاعات و آمار عملکردی بازیکنان به همراه فشرده و چکیده بازی و عملکرد بازیکنان داخلی و خارجی را طی چهار سال گذشته در اختیار داریم و طبق روال همیشه سعی می‌کنیم یک تصمیم فنی دقیق، مداقانه و تاثیرگذار اتخاذ کنیم.

کی‌روش در ادامه گفت: البته لیست ۲۳ نفره‌ای که اعلام می‌شود لیستی بسته نخواهد بود؛ چرا که ما تا ۵ دقیقه مرصت داریم و می‌توانیم تا آن تاریخ لیست خود را بررسی کنیم. به همین خاطر ما یک لیست آماده‌باش هم خواهیم داشت و در نتیجه هر اتفاقی می‌تواند بیفتد. نگرش بازیکنان من باید خاصعانه و مثل همیشه به دور از هر گونه غروری که تا امروز نشان داشتند، باشد و کمال فروتنی و تفکرمان مثل همیشه این خواهد بود که بیشترین تلاشمان را به کار ببندیم و به تک تک حریفانمان از عراق و ویتنام و یمن گرفته تا استرالیا و ژاپن و کره جنوبی احترام بگذاریم. همه باید چالشی را که ما پیش رو داریم را درک کنند و چالش اصلی ما یک مسابقه دو ۱۰۰ متر کوتاه نیست و ما یک چالش ماراتن گونه سرکوار داریم که جام ملت های ۲۰۱۹ امارات است.

وی در پایان افزود: من تقریبا تیم ملی فوتبال ایران را در حدود ۹۰ مسابقه هدایت کرده‌ام و همیشه یک خواسته غیرقابل مذاکره از بازیکنان داشته‌ام. بازیکنان من باید همیشه صحبت‌شان را در زمین مسابقه انجام دهند. این تنها چیزی است که بازیکنان واقعی در اینجا صحبت می‌کنند، درون زمین. چرا این خواسته را از اینجا دارم؟ چون این یک اصل و وظیفه اصلی اینها است چون رقبای اینها که آرزوی حضور در تیم ملی را داشتند و به هر دلیلی نتوانستند به تیم ملی بیایند.

پیام نیش دار کی‌روش

کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی فوتبال پیامی را به اهالی فوتبال ارسال کرد. متن این پیام به این شرح است:

فوتبال بازی نقطه نظر هاست و ما «خانواده فوتبال» یاد می‌گیریم که در این بازی، با مخالفت‌ها در کمال احترام و هماهنگی موافق باشیم. بنده به شخصه همیشه شجاعت و شهامت دوستان همکار خود را تحسین می‌کنم، زمانی که آن‌ها برای اصول و ارزش‌هایی که از منافع فوتبال حفاظت می‌کند، برمی‌خیزند و می‌جنگند. برای مثال: علی پروین، علی دایی، امیر قلعه نویی، وینفرد شفر، داود نکونام، یحیی گل محمدی، حسین کلانی، مهدی مهدوی کیا و وحید هاشمیان. عذرخواهی بنده را ویدیو بشنید چنانچه احساسی که می‌بایست در این لیست از «شجاعت و شخصیت والا»؟ وجود می‌داشت و نام نبردم.

گزارش قدس از صدرنشینی پدیده در آزادی

فغان استقلال از داوری

سینا حسینی: شاگردان یحیی گل محمدی برای انجام اخرین بازی خود در نیم فصل نخست رقابت های لیگ برتر راهی پایتخت شدند تا مقابل آبی پوشان پایتخت صف آرایی کنند. یحیی گل محمدی به خوبی می دانست که حالا راه همه لیگ به سای پای بازیکنان او دوخته شده پس یک روز قبل از بازی با استقلال در هتل المپیک تهران اردوی تیمش را برگزار کرد تا همه چیز مهیای یک بازی تماشای شود.

رضائیان و طارمی در حواشی پدیده

همجواری آردوی تیم فوتبال پدیده با اردوی تیم ملی فوتبال ایران زمینه ساز ملاقات های خبرسازی شد. بازیکنان حاضر در اردوی تیمی ملی که متوجه حضور بازیکنان پدیده در هتل المپیک شده بودند در زمان استراحت خود با اجازه کادر فنی به لابی هتل المپیک امدند تا با دوستان خود ملاقات کنند، حضور همزمان تیم فوتبال پارس جنوبی جم نیز باعث شد دورهمی جالبی از فوتبالی ها در این هتل شکل گیرد.

حضور رامین رضائیان، مهدی طارمی، محمدرضا خانزاده، محمد حسین کنعانی زادگان در هتل المپیک و ملاقات آنها با بازیکنان پدیده و پارس جنوبی جم باعث شد بعد بازار سلفی و عکس یادگاری در لابی هتل المپیک حسابی داغ شود. ملاقات محمد نوری، محسن بنگر و محمدرضا خلعتبری، اکبر صادقی به همراه ملی پوشان حاضر در اردوی تیم ملی ترافیک عجیبی را در لابی هتل به وجود آورد.

۲۶ اتوبوس هواداران مشهدی

شاگردان گل محمدی ساعت ۱۴ روز پنج شنبه در یک هوای آفتابی در میان ناله های هواداران استقلال که مقابل استادیوم منتظر ورود به ورزشگاه بودند، وارد استادیوم شدند. با وجود مسافت طولانی ۲۶ اتوبوس از هواداران پدیده تیم مورد علاقه خود را تنها نگذاشته بودند. نزدیک به دو هزار هوادار مشهدی با اتوبوس خود را به آزادی رسانده بودند تا شاگردان گل محمدی در میان هواداران پر تعداد استقلال احساس تنهایی نکنند.

کمک مجیدی به آبی ها

استقلالی ها با رای این بازی و موفقیت در آن از همه ابزارهای خود استفاده کردند به گونه ای که با دعوت از فرهاد مجید مهاجم سابق خود برای تماشای این بازی تلاش کردند با کمک گرفتن از او ورزشگاه را پر کنند اما این اتفاق هرگز رخ نداد تا شاگردان شفر تنها با حضور ۴۰ هزار تماشاگر به مصاف تیم مدعی پدیده بروند.

صدرنشینی در آزادی

با آغاز بازی هیجان حاکم بر بازی رو چندان می‌شود. دو تیم همدیگر را با وسواس محک می زنند، استرس در چهره مدافعان استقلال دیده می‌شود، آنها که می دانند در صورت نخستین لغزش کار برای آنها گره خواهد خورد با دقت زیادی مانع از نفوذ بازیکنان خط میانی پدیده می شوند، اتفاقی که برای مدافعان پدیده هم صادق بود، با وجود تلاش دو تیم نتیجه‌ای بهتر از تساوی در پایان ۹۰ دقیقه روی اسکوربرد ورزشگاه آزادی نقش نمی بندد. اما در کنار این نتیجه حاشیه پر رنگ تر از متن است، از درگیری بازیکنان و کادر فنی استقلال با محمدحسین زاهدی و حید هاشمیان. عذرخواهی بازیکنان استقلال با محمدرضا خلعتبری و یحیی گل محمدی اما در نهایت همه چیز با تقسیم امتیازها به پایان می رسد.

پدیده با تک امتیاز این دیدار تا شنبه موقتا به صدر جدول بازمی گردد.استقلالی ها هنوز بالین امتیاز جایگاه خود را روی پله پنجم جدول تثبیت می کنند تا با فرار گرفتن در جمع پنج تیم برتر لیگ به تعطیلات نیم فصل بروند.

توفان قطبی در تبریز

آخرین گل های سرخِ پشت پنجره

جواد رستم زاده: هفته پانزدهم لیگ برتر عصر دیروز با پیروزی تیم های پرسپولیس ، فولاد و نفت آبادان ادامه پیدا کرد. پرسپولیس در آزادی موفق شد با سه گلی که به پارس جنوبی زد حسن ختام خوبی بر پنجره های بسته خود داشته باشد و در قامت یک صدرنشین به نیم فصل دوم بازی ها وارد شود.

کارنامه پرسپولیس در دوران محرومیت

پرسپولیس با پنجره بسته یک قهرمانی لیگ بدست آورد، صاحب یک سوپرجام شد، در لیگ قهرمانان آسیا به فینال رسید و نیم فصل اول را،بخاطر گل زده کمتر در یکی از رده‌های دوم یا سوم تمام خواهد کرد.

پرسپولیس مجموعا ۵۸ بازی پس از محرومیت از نقل و انتقالات و محرومیت طارمی در تمام جام‌ها انجام داد. آن‌ها ۳۳ بازی‌اش را بردند، ۱۷ بازی مساوی کردند و ۸ بازی را هم باختند. اگر مسابقات لیگ قهرمانان و جام حذفی را هم به صورت امتیازی حساب کنیم، میانگین پرسپولیس در تمام دوران محرومیت دقیقا ۲ امتیاز از هر مسابقه می‌شود.

پرسپولیس در لیگ برتر، در این مدت ۳۸ بازی کرد و ۸۱ امتیاز گرفت. میانگین ۲،۱۳ امتیاز از هر بازی که نشان می‌دهد چرا فوتبال ایران بودند. فصل پیش پرسپولیس، از ۳۳ بازی در دوران محرومیت ۵۰ امتیاز گرفت و با میانگین ۱،۵۱ امتیاز از هر بازی قهرمان شد. این فصل آن‌ها چند بازیکن دیگر هم از دست دادند اما با این حال، هیچ باختی نداشتند و با ۱۴ امتیاز از ۱۵ بازی و میانگین ۲،۰۶ امتیاز هر بازی، دومین یا سومین تیم نیم فصل بودند. پس بازیکن بر سیاهان در بازی فردا فاصله آن‌ها با صدر بیشتر از ۳ امتیاز نخواهد شد.

دو پنجره به نقل و انتقالات، می‌تواند کابوسی بزرگ برای هر تیم باشد اما برای پرسپولیس، تبدیل به بخشی از زیباترین خاطرات‌شان شد. قهرمانی لیگ هفدهم، تایپ قهرمانی آسیا و حضور ثابت بین مدعیان و شکست ناپذیری در این فصل، دوران سخت تیمی بود که هیچ حادثه‌ای، از مسیر موفقیت خارج‌شان نکرد.

هم امتیاز با صدرنشین

مردان براتکو دیروز مقابل ۵۰ هزار هوادار خود در نیمه اول و طی یک بازی کمک کننده یک بر صفر و روی گل زیبای علیپور به رختکن رفت. در نیمه مربیان اما سرخ پوشان از این رو به آن رو شدند و طی یک بازی توفانی موفق شدند دو گل دیگر توسط علیپور و عالیشاه به ثمر برسانند و چند موقعیت خوب را از دست دهند. ولی نکته مهم این نیمه ورود بازیکنان جوان پرسپولیس بود که چهره جدیدی به تیم صدرنشین داد. تک گل سیف اللهی در دقیقه ۹۲ از روی نقطه پنالتی باعث شد که پدیده همچنان با یک گل بیشتر زده در صدر باقی بماند.

توفان قطبی در تبریز

اما در دیگر بازی مهم دیروز افشین قطبی با فولاد کاری کرد کارسان در تبریز دو بر یک تراکتورسازی را شکست دهد. تراکتوری ها با این باخت کمی از کورس عقب ماندند ولی فولاد توانست جانی تازه بگیرد و به ادامه کیک امیدوار تر شود. صنعت نفت آبادان هم مقابل سایپا طی یک بازگشت خوب توانست دو بر یک سایپای دایی را شکست دهد.

افشین قطبی پس از پیروزی تیمش مقابل تراکتورسازی گفت: بازی حساس و پر هیجانی بود. اینون تجربه من در استادیوم تبریز بود و در تمام زندگی فوتبالی من به یک تجربه تبدیل شد. من از تمام بازیکنان برای کسب پیروزی است که باتوجه‌به اینکه هفته ششم بازی‌ها بود، فقط دو هدف نظر داشتیم و بیشتر وجدی تری توسط کادر فنی اعمال شود.

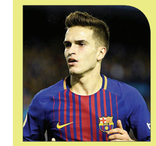

آرسنال و چلسی به دنبال جذب دنیس سوارز

ورزش: دنیس سوارز، هافبک بارسلونا، مورد توجه باشگاه‌های آرسنال و چلسی قرار دارد. هافبک ۲۴ ساله در تابستان به درهای خروج از بارسلونا نزدیک بود ولی در نهایت در این تیم ماند. با وجود تصمیم او مبنی بر ماندن، به جز گوادیل رِی، تنها ۳۳ دقیقه در تیم اصلی به او بازی رسیده و شرایط برایش خوب پیش نرفته است.

تنها ۱۸ ماه از قرارداد سوارز با کاتالان‌ها باقی مانده و دو باشگاه لیگ برتری آماده اند که در زانویه برای جذب او تلاش کنند. گفته می‌شود بارسلونا آماده است پیشنهادات بالاتر از ۱۰ میلیون یورو را برای او مورد بررسی قرار دهد.

گتوزو زیر تیغ انتقادات

ورزش: بعد از شکست ۳-۱ میلان مقابل المپیاکوس و حذف این تیم از لیگ اروپا درحالیکه فنار بر کناره گتوزو سرمربی این تیم به اوج رسیده، گتوزو می‌خواهد نگران شغلش نیست بلکه نگران میلان است. حذف از مرحله گروهی لیگ اروپا بر هواداران میلان بسیار گران آمده و آنها امروز انتقادهای تندی را علیه سرمربی تیم محبوب‌شان مطرح کرده‌اند. برای هواداران روسونری هیچ اقدامی فوری از جبران اختلاف سه امتیازی با اینتر و پیشی گرفتن از حریف سنتی و همشهری‌شان نیست. باید دید آیا مسئولین میلان به گتوزو وفادار می‌مانند.

ایران قهرمان کشتی آزاد جام باشگاه‌های جهان شد

جام در بابل ماند

ورزش: نماینده ایران عنوان قهرمانی پنجمین دوره رقابت های کشتی آزاد جام باشگاه های جهان را از آن خود کرد. در جریان دیدار فینال پنجمین دوره رقابت های کشتی آزاد جام باشگاه های جهان در شهر بابل استان مازندران، تیم بیمه رازی بابل با هدایت محسن کاوه برابر نماینده ترکیه به برتری ۱۰ بر صفر رسید و برای سومین مرتبه بر سکوی قهرمانی این رقابت ها ایستاد.

در ۷۹ کیلوگرم نیز احمد گازی ماگومدوف دیگر کشتی گیر روس بیمه رازی و دارنده مدال برنز ۲۰۱۸ جهان ۱۰ بر صفر ناظیم کارا را شکست داد.

همچنین در وزن ۸۶ کیلوگرم علیرضا کریمی دارنده دو مدال برنز جهان موفق شد احمد بیلیچی را ۵ بر صفر مغلوب کند.

سطح کیفی این دوره از رقابت ها با توجه به غیبت نماینده آمریکا نسبت به دوره های قبل پایین بود و سطح فنی مسابقات رضایت کارشناسان را جلب نکرد. این در حالی بود که بیمه رازی که از تمکن مالی برخوردار است همانند دوره های قبل بهترین های کشتی ایران را حتی بیش از تعداد مورد نیازش به خدمت گرفت.

تماشاگران ماندرانی استقبال بسیار خوبی از این دیدار داشتند و سالن مسابقات در دیدار فینال مملو از جمعیت بود.

در جریان دیدار رده بندی هم نیز ستارگان ساری دیگر نماینده ایران برابر گرجستان به برتری ۹ بر یک رسید و بر سکوی سوم ایستاد. اوکراین با برتری مقابل قرقیزستان پنجم شد و هند نیز با شکست گرجستان به عنوان هفتمی رسید. این رقابت ها با حضور دو تیم از ایران و ۶ تیم خارجی به مدت ۲ روز به میزبانی سالن دانشگاه آزاد بابل برگزار شد.

پیروزی نماینده ایران مقابل نماینده ترکیه در حالی بدست آمد که تیم ترکیه ای در ۳ وزن ۵۷، ۷۴ و ۹۷ کیلوگرم نماینده‌ای نداشت.

در مهمترین مبارزات دیدار فینال، حسن رحیمی دارنده مدال‌های طلای جهان و برنز المپیک که پس از ۳ سال دوری از میادین در این رقابت ها کشتی گرفت، بازگشت بسیار خوبی به میادین داشت و موفق شد حریف ترک را با نتیجه ۱۰ بر صفر شکست داد.

در وزن ۶۵ کیلوگرم نیز میثم نصیری که چند ماه پیش بدلایل نامعلوم اقدام به ترک اردوی تیم ملی کرده بود ۱۲ بر ۲ حریف ترک را از پیش رو برداشت.

در ۷۰ کیلوگرم ماگومد قربان علی اف، روس و دارنده مدال طلای ۲۰۱۶ جهان نیز ۱۲ بر ۲ مصطفی زوبالی از ترکیه را برد.

داستان «معروف» و «خوش خبر» چه می شود؟

داوری: دست زدن به قرارداد کولاکوویچ هزینه دارد

ورزش: افشین داوری به عنوان سرپرست در فدراسیون والیبال ظهور در مورد سرمربی تیم ملی والیبال ایران برگزار شد، سرمربی تیم ملی موضوع مهمی برای ماست چون تا زمان برگزار لیگ ملت‌ها و مسابقات قهرمانی آسیا زمان زیادی نداریم. ما بالیگور کولاکوویچ تماس گرفتیم و قرار است بعد از تعطیلات ژانویه به تهران بیاید و کار را با او ادامه دهیم. تیم ملی، وبتریز فدراسیون والیبال است و ما نمی خواهیم در این مورد دچار چالش شویم. وی ادامه داد: کولاکوویچ قراردادی به صورت ۲۰۲ سال با ما دارد که اگر با او قطع همکاری کنیم باید جریمه بدهیم که اصلا مقرون به صرفه نیست او تا سال در ایران بوده و با شناختی که از بازیکنان دارد، می‌تواند ما را به قله‌های جدید برساند. تمدید زمن به قرارداد او برای ما هزینه دارد.

داوری در مورد سرمربی تیم ملی والیبال گفت: در حال بررسی چند گزینه برای سرپرستی تیم ملی هستیم. ما کمتر از یک ماه برای این کار فرصت داریم و سعی می کنیم بهترین شخص را انتخاب کنیم و مورد وثوق همه خانواده والیبال باشد.

وی در مورد انتخاب دبیر فدراسیون هم خاطرنشان کرد: امیر منظمی از مغاخر والیبال ایران است که در تحصیل و دانشگاه هم‌وظن بوده و عضو هیئت علمی دانشگاه و دوست صمیمی ما است او پایه‌استعفای خود به والیبال فرصت داد تا ضرر نکند و شاید هم وارد کارزار انتخابات شود. ما هر زمان لازم باشد از او استفاده خواهیم کرد.

داوری ادامه داد: من در مورد دبیر فدراسیون بانوی فدراسیون حرف نزدم البته پیشنهادهایی به من شده که قرار است در هفته پیش رو با آنها برخورد کنم.

انصراف دو کاندیدا

از انتخابات کمیته ملی پارالمپیک

ورزش: مجمع عمومی و انتخاباتی کمیته ملی پارالمپیک امروز از ساعت ۹ صبح در محل اکادمی ملی المپیک و پارالمپیک برگزار خواهد شد. علیرضا صفرزاده و علی اصغر هادیزاده از کاندیداهای این انتخابات بودند که اعلام کناره گیری کرده اند.

صفرزاده و هادی زاده به ترتیب انصراف خود را از تصدی پست هیئت اجرایی و بازرسی اعلام کرده اند.

مصدومیت کامرانی

ورزش: از هفته پنجم مسابقات بسکتبال لیگ برتر باشگاه های کشور، دو تیم پتروشیمی بندرامام و شهید تهران شاهگاه پنجشنبه در بندرامام به مصاف هم رفتند.

در جریان این دیدار که با برتری خانه‌ای به پایان رسید، مهدی کامرانی گارد راس تیم شهید دچار در رفتگی انگشت دست شد. همین موضوع باعث شد تا این تیم از اوامسط برای این بازیکن را در اختیار نداشته باشد.

البته پزشک تیم شهید، انگشت در رفته مهدی کامرانی را جا انداخت اما به گفته محمدرضا اسلامیان سرمربی تیم شهید، قرار است طی امروز و فردا از دست مهدی کامرانی عکس گرفته شود تا این اطمینان حاصل شود که انگشت وی دچار پارگی تاندون نشده باشد.

ورزش در سیما

هفته ۱۵ لیگ برتر ایران
استقلال خوزستان - سپاهان
شنبه ۲۴ آذر - ساعت: ۱۵:۰۰ زنده از شبکه ورزش

هفته ۱۵ بوندسلیگا
هانوفر - یاهن مونیخ
شنبه ۲۴ آذر - ساعت: ۱۸:۰۰ زنده از شبکه ورزش

هفته ۱۶ لالیگا اسپانیا
رئال مادرید - رایو وایکانو
شنبه ۲۴ آذر - ساعت: ۲۱:۰۰ زنده از شبکه ورزش

لیگ برتر پرتغال
سانتاکلارا - پورتو
شنبه ۲۴ آذر - ساعت: ۲۳:۵۹ زنده از شبکه ورزش

هفته ۱۷ لیگ برتر انگلیس
برایتون - چلسی
یکشنبه ۲۵ آذر - ساعت: ۱۷:۰۰ زنده از شبکه ورزش

هفته ۱۷ لیگ برتر انگلیس
لیورپول - منچستریونایتد
یکشنبه ۲۵ آذر - ساعت: ۱۹:۳۰ زنده از شبکه ورزش

خبر

قهرمانی بوکس خوزستان پس از ۲۲ سال

ورزش: مسابقات بوکس قهرمانی کشور در سال ۹۷ ویژه گرامیداشت ۳۱ شهریور (حمله تروریستی اهواز) که حکم انتخابی لیست تیم ملی بوکس را داشت، با معرفی نفرات برتر خاتمه یافت.

این مسابقات سرانجام از پنج روز مسابقه، پایان یافت و تیم خوزستان با کسب چهار طلا و یک برنز بعد از ۲۲ سال توانست عنوان قهرمانی را از آن خود نماید. همچنین تیم های تهران الف دوم شد و استان مازندران مقام سوم این دوره از رقابت‌ها را به خود اختصاص دادند.

حضور آمریکا با ۵ وزنه بردار در جام فجر

ورزش: چهارمین دوره جام فجر وزنه برداری از دهم تا چهاردهم اسفند در اهواز برگزار می شود و چون این مسابقات گزینشی المپیک ۲۰۲۰ نیز هست انتظار می رود استقبال خوبی از این رقابتها شود.

برای این اساس علیرضا فریشی رئیس هیئت وزنه برداری اهواز در حضور تیم آمریکا در این رویداد خبرداد و به اینسا گفت: آمریکا اعلام کرده با پنج وزنه بردار در این مسابقات شرکت می کند.

کشورهای شرکت کننده تا اول ژانویه ۲۰۱۹ (۱۲ دی) فرصت دارند، لیست اولیه خود را ارسال کنند و لیست نهایی هم باید تا قبل از اول فوریه ۲۰۱۹ (۱۲ بهمن) ارسال شود.

این رقابتها که گزینشی المپیک ۲۰۲۰ نیز هست در ۷ وزن المپیکی (۶۱، ۶۷، ۷۳، ۸۱، ۹۶، ۱۰۹ و ۱۰۹+ کیلوگرم) و با جوایز ۳۰هزار دلاری برگزار می شود.

هنوز خبری از انتخابات نیست!

فدراسیون کشتی همچنان بلاتکلیف

مهر: در حالی که گفته می شد زمان برگزاری مجمع فدراسیون کشتی تا پایان دوران سه ماهه سرپرستی حمید نبی تمیم در فدراسیون تعیین می شود، اما دوران سرپرستی نبی تمیم رو به پایان و هنوز خبری از تصمیم وزارت ورزش نشده است.

«رضا لایق» دبیر فدراسیون کشتی در این خصوص گفت: به عنوان دبیر مجمع فدراسیون درخواست روسای هیئت های کشتی را به عنوان اکثریت اعضای مجمع به وزارت ورزش ارائه کردیم. طبیعتا ما هم در انتظار تعیین زمان لیست نام کاندیداها و همچنین برگزاری مجمع عمومی هستیم تا هر چه سریعتر امور کشتی توسط رئیس جدید پیگیری شود.

به گفته دبیر فدراسیون کشتی، پیگیری مستمر روسای هیئت های کشتی و اعضای مجمع به این دلیل است که آنها معتقدند تجهیز و آماده سازی برای حضور در المپیک ۲۰۲۰ توکیو باید طبق برنامه ریزی مدنظر رئیس منتخب مجمع انجام شود. در نتیجه رئیس جدید هم باید هر چه سریعتر با برگزاری مجمع عمومی انتخاب شود و کارش را آغاز کند.

درخواست انتخابی مجمع و روسای هیئت های کشتی استانهای کشور از متولیان وزارت ورزش در حالی مطرح شده که این برای چندمین بار است اهالی کشتی خواستار برگزاری مجمع و معرفی رئیس جدید فدراسیون هستند. اعضای مجمع تاکید دارند با تسریع امور مرتبط با برگزاری مجمع، این نشست نباید به سال اینده موکول و تکلیف رئیس جدید باید تا پایان سال جاری مشخص شود.

کشتی ایران در حالی منتظر نگاه ویژه و جدی وزارت ورزش در خصوص برگزاری مجمع عمومی است که سال اینده رویدادهای مهمی از جمله رقابتهای قهرمانی آسیا و جهان و همچنین گزینشی کسب سهمیه المپیک ۲۰۲۰ توکیو را پیش رو دارد.

تندیس مهر حقوق بشر به «دایی» اهدا می‌شود

ایسنا: عضو هیات رئیسه کانون وکلای دادگستری استان کرمانشاه از اهدای تندیس مهر حقوق بشر به علی دایی استقلال فوتبال ایران خبر داد. شهاب جیرج گفت: این تندیس به مناسبت فعالیت‌های بشردوستانه و خیرخواهانه یکسال اخیر علی دایی در مناطق زلزله زده کرمانشاه به او اهدا خواهد شد.»

اعتراض رسمی استقلال بابت اشتباهات داوری

ورزش: باشگاه استقلال قرار است به فدراسیون فوتبال به‌خاطر اشتباهات داوری اعتراض کند. باشگاه استقلال امروز اعتراض رسمی خود را بابت اشتباهات پرتعداد و ادامه‌دار داوری، به فدراسیون فوتبال ارسال خواهد کرد این اعتراض همراه با فیلم و مستندات خواهد بود.

وینفرد شفر: باید رنگ لباس‌مان را عوض کنیم!

ورزش: وینفرد شفر بعد از تساوی بدون گل تیمش با پدیده خراسان گفت: درباره بازی باید بگویم، مسابقه بسیار خوب و سختی بود. پدیده تیم بسیار خوبی است. در فیلم بازی‌های اخیر، آن ها همیشه سه چهار موقعیت ۱۰۰ درصد گلزنی داشتند، اما در این بازی موفقیتی روی دروازه ما نداشتند. وی با انتقاد از داوری گفت: خودتان می‌دانید طبق عادتی که دارم، راجع‌به داوری صحبت نمی‌کنم، اما فکر می‌کنم اکنون زمان آن فرا رسیده است. تیمم اکنون به صحبت من نیاز دارد، چون امروز ۹۰ ۹۰ دقیقه جنگیدیم و گل زدیم، اما گل سالم ما را مردود اعلام کردند. وقتی به صورت بازیکنانم نگاه می کنم چه باید بگویم؟ داوران با سوت‌های اشتباه خود، خطاهایی که به سود ما بود، اعلام نکردند و... داوران خیلی در روند تیم ما تأثیر گذاشته‌اند و این اصلاً خوب نیست. در آلمان رنگ شاسی، رنگ سبز است و شاید باید با باشگاه صحبت کنیم و رنگ لباس‌مان را عوض کنیم!

یحیی گل‌محمدی: قهرمان شدن چیزهایی می‌خواهد که تیم من ندارد

ورزش: یحیی گل‌محمدی بعد از تساوی بدون گل تیمش مقابل استقلال اظهار داشت: برای ما گرفتن یک امتیاز از استقلال در ورزشگاه آزادی و خارج از خانه خوب بود. به نظرم حساسیت بازی بسیار زیاد بود، چون ما در کورس بالای جدول هستیم و استقلال هم در سه بازی برنده شده بود. همه فکر می‌کردند این بازی جذاب می‌شود، اما فکر می‌کنم حساسیت بازی زیاد بود. تمرکز دفاعی و گل نخوردن موضوعی بود که از این استقلال خوزستان همین مسیر را طی کرده و قهرمان لیگ شده است و فکر می‌کنم کند پدیده هم می‌تواند این موفقیت را به دست آورد، اظهار داشت: قهرمان شدن یکسری امکانات و چیزهایی می‌خواهد که ما ندارم. در حال حاضر مشکلات مالی ما زیاد است و باشگاه تلاش می‌کند تا این مسئله را برطرف کند. ما برای سه امتیاز هر بازی نهایت تلاش‌مان را می‌کنیم، اما ساخت است که با این امکانات قهرمان شویم.

تارتار: کیفیت زمین آزادی مثل سابق نیست

ورزش: مهدی تارتار سرمربی پارس جنوبی در باره دیدار با پرسپولیس گفت: بازی سختی برابر پرسپولیس فینالیست آسیا در ورزشگاه آزادی با حضور تماشاگران داشتیم. به پرسپولیس «تاریک می گویم. تعدادی از بازیکنان ما تجربه لازم بازی کردن در آزادی را نداشتند و ۲-۳ نفر برای اولین مرتبه به آزادی آمدند. چند مرتبه به زمین خوردند و نشان دادند که تجربه هستند. کیفیت زمین آزادی نیز افت کرده و ما خوب نبودیم که ۳ بر یک شکست خوردیم و من مسئول نتیجه هستم.

AFC پرسپولیس را ۶۰۰۰ دلار جریمه کرد

ورزش: کمیته انضباطی کنفدراسیون فوتبال آسیا تیم فوتبال پرسپولیس را به خاطر دو بر یک شکست برابر پدیده خراسان به مبلغ ۶۰ هزار دلار جریمه کرد. به گزارش فدراسیون فوتبال آسیا برای استفاده از سیستم اعلام عمومی (بلندگوهای ورزشگاه) برای اعلام موارد جرائم در ارتباط با مسابقه از سوی AFC، داوران با مقامات امنیتی محلی درخواست می‌شود. عنوان شده است، به همین دلیل باشگاه پرسپولیس مبلغ ۶۰۰۰ دلار جریمه شده و ظرف مدت ۳۰ روز ملزم به پرداخت آن است. AFC همچنین اعلام کرده است که در صورت تکرار این تخلف برای باشگاه پرسپولیس مجازات سنگین‌تری در نظر خواهد گرفت. دومین تخلف پرسپولیسی‌ها مربوط به نمایش پلاکارد‌ی از سوی هواداران این تیم است که AFC آن را مطابق بند ۱۱.۳ اساسنامه انضباطی خود، مصداق بدنامی فوتبال دانسته و به همین دلیل نایب قهرمان لیگ قهرمانان آسیا را ۵۰۰۰ دلار جریمه نقدی کرده است. باشگاه ظرف مدت یک ماه ملزم به پرداخت این جریمه است و در خصوص تکرار آن هشدار گرفته است.

مهاجم بارسلونا در حوالی رقیب استقلال

خربین و عبدالرحمن از الهلال جدا می شوند

ورزش: کانون هواداران الهلال عربستان خبر داد که زرع‌ژسوب، سرمربی الهلال لیست خروجی لژیونرها در زمستان را اعلام کرد و با تصمیم این سرمربی عمر خربین، عمر عبدالرحمن و ریفاس در لیست فروش و خروج قرار گرفتند. الهلال به جای خربین در استانه امضای قرارداد سوریانو مهاجم اسپانیایی و سابق بارسلونا است. الهلال یکی از رقبای استقلال در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا است.

خلعتبری؛ عمدا کارت نگرفتم

ورزش: در بازی استقلال و پدیده محمدرضا خلعتبری از داور بازی کارت زرد گرفت. بعد از بازی این شائبه مطرح شد که او عمدا این کارت زرد را گرفته تا ۳ اخطاره شود و در بازی بعدی مقابل پرسپولیس بازی نکند! خود خلعتبری اما این شائبه را رد کرد و گفت: «چنین چیزی هستم و تمام تلاش خود را برای موفقیت این تیم به کار می‌بندم و حتی اگر چند دقیقه هم در زمین حضور داشتم تلاش کردم تا برای تیمم گلزنی کنم.»

محمدرضا خلع

خبر

دبیر نخستین دوره جایزه داستانی «خودنویس»:

آثار بومی شانس بیشتری برای جهانی شدن دارند

ایلنا: میر شمس الدین فلاح‌هاشمی، دبیر نخستین دوره جایزه «خودنویس» درباره ایده اولیه و هدف از برگزاری این جایزه گفت: برخی از داستان‌نویسان اخبار مربوط به جوایز را پیگیری می‌کنند و با شرکت در این جوایز به نوعی ارتزاق می‌کنند و از امکانات مالی آن هم بهره‌مند می‌شوند، اما ما هدف‌مان شناسایی استعدادهایی است که در دورترین نقاط کشور زندگی می‌کنند و به داستان علاقه‌مندند. متأسفانه کتاب‌های آموزشی و کارگاه‌های داستان در این نقاط وجود ندارد و این افراد صرفاً از چند کتابی که خوانده‌اند و با تکیه بر استعداد خود می‌نویسند.

وی افزود: ما در این مسابقه شرایط سنی هم نداشتیم و این مسابقه را یک فرصت برای کسانی که کارشان تا به حال از سوی هیچ ناشری برای چاپ پذیرفته نشده، قرار دادیم. همچنین نویسندگانی را نیز که کارشان را به طور ناشر- مؤلف منتشر کرده‌اند و در بازار کتاب عرضه و دیده نشده است، در این مسابقه شرکت دادیم.

دبیر علمی انتشارات جام‌جم درباره معیارهای داوری این مسابقه توضیح داد: ما در داوری خود معیاری که برای داوری داستان‌های فاخر داریم اینجا لحاظ نمی‌کنیم. به عنوان مثال ۲۵ امتیاز برای استعداد نویسندگی در نظر گرفته‌ایم و در میان عناصر داستان مشخصاً شخصیت‌پردازی را ملاک قرار داده‌ایم و انتظار نداریم که این نوقلمان رئالیسم جادویی یا تکنیک‌های خاص ادبی مانند فلاش‌بک و فلاش‌فوروارد را در آثار خود لحاظ کنند. این مسابقه برای شناسایی افراد بااستعداد است. در نهایت ۴۵۹ اثر به دبیرخانه رسید که رقم قابل‌توجهی برای یک مسابقه رمان‌نویسی است.

نویسنده رمان «آسمان هفتم» درباره آثاری که از طریق پست به جشنواره رسیده نیز عنوان کرد: آثاری که از طریق پست به دست ما رسیدند وضعیت جالبی داشتند و معلوم بود که از نقاطی با کمترین امکانات به دبیرخانه رسیده‌اند. برخی از این آثار به صورت دست‌نویس در دفتر یا سررسید نوشته شده بودند، چون در آن ناحیه امکان تایپ وجود نداشته است.

فلاح‌هاشمی در ادامه گفت: ما قصد داریم این استعدادها به نویسندگانی خوب تبدیل شوند. ما همچنین یک جایزه مردمی هم داریم به این شکل که آثار ۲۰ نفر اول را در سایت طاقچه قرار می‌دهیم تا به انتخاب مردم هم جایزه‌ای بدهیم. ما این افراد را رها نخواهیم کرد و در تمامی مراحل این حمایت و پشتیبانی وجود دارد.

وی در انتها گفت: متأسفانه بیشتر فضای داستانی ما در فضای آپارتمانی می‌گذرد، در صورتی که آثار بومی شانس بیشتری برای جهانی شدن دارند. تمام دنیا به داستان‌هایی توجه می‌کنند که جنبه بومی داشته باشند. ما بر این عقیده هستیم که داستانی که فضا و محیط زیستی شرکت‌کننده را معرفی کند، داستان موفقی خواهد بود.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کارگاه‌های قصه‌گویی برگزار می‌کند

ایلنا: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کارگاه‌های آموزشی قصه‌گویی برگزار می‌کند.

کمیته علمی بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی ۲ نشست علمی و ۵ کارگاه آموزشی در جشنواره قصه‌گویی برگزار می‌کند. مخاطبان این برنامه‌ها مدیران فرهنگی، دانشجویان، قصه‌گویان، معلمان و مربیان هستند.کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های تخصصی در این دوره از جشنواره به صورت پنل برگزار می‌شود و افراد بنام و چهره‌های شناخته شده، برگزاری این پنل‌ها را عهده‌دار خواهند بود.

نشست «عصر ارتباط، تبادل فرهنگی و حیات قصه‌ها» روز سه‌شنبه ۲۷ آذر ماه توسط دکتر مرجان فولادوند، نویسنده و پژوهشگر و دکتر محمود گلزاری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر شهرام گیل‌آبادی عضو هیئت‌علمی دانشگاه صداوسیما، برگزار می‌شود.

نشست «قصه‌گویی، مهارت زندگی، اجتماعی شدن» نیز روز چهارشنبه ۲۸ آذر ماه توسط دکتر مصطفی مهرآیین عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی، دکتر حسن ذوالفقاری عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت‌مدرس، دکتر فهیمه حسین‌زاده جامعه‌شناس و دکتر محمدجواد قنواتی مدیر بخش فولکلور و ویراستار علمی دانشنامه فرهنگ مردم برگزار می‌شود.

همچنین کارگاه «قصه‌های مدرن، نیاز روز کودکان» دوشنبه ۲۶ آذرماه توسط آلیسا دونجوبانگ، قصه‌گویی از کشور کره برگزار می‌شود. مکان برگزاری کارگاه‌های تخصصی در محل کلاس‌های علمی کاربردی کانون و نشست‌های تخصصی در محل کاخ جشنواره واقع در خیابان حجاب، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود.

گفتنی است کارگاه‌های آموزش مهارت‌های قصه‌گویی ویژه پدران و مادران در تمامی ایام جشنواره صبح و بعد از ظهر برگزار خواهد شد.

آخرین بازمانده شعر حجم ایران درگذشت

مهر: منصور خورشیدی، شاعر معاصر و از آخرین بازماندگان شعر حجم در ایران، در بهشهر مازندران درگذشت.

خورشیدی در سال ۱۳۲۹ به دنیا آمد. او انتشار آثار خود را از دهه ۵۰ آغاز کرد. از این شاعر و منتقد ادبی مقالات بسیاری در داخل و خارج کشور منتشر شده‌است. مهم‌ترین مقالات او عبارتند از: «از ترس مست شدیم» (در کتاب از حاشیه تا متن)، «حیرت عظیم حجم» (در کتاب حتای مرگ)، «بررسی شعرهای رؤیایی»، «نقد و بررسی شعر معاصر» (مجله آفتاب، نروژ)، «سوررئالیسم، جنجالی‌ترین مکتب ادبی جهان»، «بررسی مکتب‌های ادبی جهان»، «من سوم»، «سرشت باطنی انسان در جهان شعر» و...

از میان آثار منتشر شده او می‌توان به کتاب‌های «از فکرهای با تو»، «خطابه‌های کهنسال کودکی»، «سجاده روی ماه بینداز» و «آبی ناگهان» اشاره کرد.

گزارش قدس از برگزاری کارگاه پوستر و تبلیغات شهری پنجمین جشنواره هنر مقاومت در مشهد

نقد صریح نارسایی‌ها، تبلیغ صحیح پیشرفت‌ها

حجت‌الاسلام محمدی فرید و محمدرضا دوست‌محمدی در کارگاه پوستر جشنواره مقاومت

ادب و هنر/جواد شیخ الاسلامی | کارگاه پوستر و تبلیغات شهری در مشهد، به همت نهضت مردمی پوستر انقلاب برگزار شد. این کارگاه پوستر و تبلیغات شهری از سری برنامه‌های پنجمین جشنواره هنر مقاومت است که امسال و همزمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ۹ بخش و در سرتاسر کشور برگزار می‌شود. سیدمحمدرضا میری، دبیر نهضت مردمی پوستر انقلاب درباره برگزاری این کارگاه‌ها به قدس گفت:امسال برگزاری پنجمین دوره از جشنواره ملی هنر مقاومت با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی مصادف شده است. در شورای سیاست‌گذاری این جشنواره که با دبیری استاد مسعود نجابتی تشکیل شد، به این نتیجه رسیدیم که امسال باید یک تحول اساسی شکل بگیرد و ضمن استفاده از تجربیات اساتید و دبیرانی که سال‌های قبل در این عرصه تلاش کرده‌اند، بتوانیم تجربه‌های جدیدی رقم بزنیم. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین نکات که به آن توجه ویژه داریم، خلق آثاری است که بیشتر در مقابل دید مردم قرار بگیرد؛ از فضای تبلیغات شهری استفاده کنیم، محصولات را راحت‌تر به دست مردم برسانیم، نمایشگاه‌هایی در منظر عموم برگزار کنیم و در کل آثار را از گالری‌ها به نظر مردم برسانیم.

برش

میری: بنا نیست با مجامله و تعارف نقد کنیم؛ اتفاقاً نقد باید تیز و برنده باشد. با این حال باید از کلی گویی‌ها و بی‌انصافی‌ها در حق دستاوردهای نظام بپرهیزیم، مدیران خوب و بد را یکجا مورد نقد قرار ندهیم و به آسیب‌هایی که فضای رسانه‌ای ایجاد کرده، مشغول نشویم

استفاده از تجربه «نهضت مردمی پوستر انقلاب»

داور بخش پوستر پنجمین جشنواره هنر مقاومت در ادامه افزود: این جشنواره ۹ بخش دارد که بخش پوستر و تبلیغات شهری با استفاده از تجربه «نهضت مردمی پوستر انقلاب» (که در حوزه تولید پوسترهای انقلابی فعالیت می‌کند) ایجاد شده است. در این بخش ۹ کارگاه استانی برنامه‌ریزی و اجرا شد که این رویداد جزو بی‌نظیرترین اتفاقات چند سال گذشته بوده است. ما در دو ماه گذشته، ۹ کارگاه را در شهرهای قزوین، البرز، یزد، آذربایجان شرقی، استان گلستان و خراسان رضوی اجرا کردیم و هفته آینده نیز در استان خوزستان و اصفهان دو کارگاه دیگر برگزار خواهیم کرد.

وی در خصوص جزئیات برگزاری این کارگاه‌ها بیان کرد: این کارگاه‌ها با همکاری نهضت مردمی پوستر انقلاب و مجمع طراحی آیه شکل گرفته است. همچنین در حین اجرای این کارگاه‌ها استعدادهای جوان نیز شناسایی شده‌اند. تشکل‌های نوپایی به بهانه این جشنواره کارشان را شروع کرده‌اند و اتفاقات خوبی افتاده است. پوسترهایی که در کارگاه‌ها تولید می‌شود به بخش رقابتی جشنواره هنر مقاومت راه پیدا می‌کنند و محصولات برگزیده هم در شهرها اکران خواهند شد. کارگاه‌های مشهد نیز با حضور مسعود نجابتی و محمدرضا دوست‌محمدی و ۵۰ هنرمند از سراسر خراسان رضوی به مدت سه روز برگزار شد.

شور جوانی با دغدغه‌های دلسوزانه

محمدرضا میری، درباره ایده و محتوای پوسترهایی که در کارگاه‌ها تولید می‌شوند، گفت: به تناسب اینکه انقلاب ما در آستانه ۴۰ سالگی است و در مسیر پیشرفتش با مشکلات و موانع جدی و زیادی در داخل و خارج دست به گریبان است، بیان چند موضوع ضروری به نظر می‌رسید. در همین راستا موضوعاتی مانند پیشرفت‌ها و دستاوردها، نارسایی‌ها و ضعف‌ها و غرورها و شکست‌ها، محتوای تولید آثار هستند. از طرف دیگر نقش و رسالت آحاد مردم از اصناف و گروه‌های مختلف در این برهه و از همه مهم‌تر نقد مدیران خیانتکار و اشرافی، همچنین بررسی آنچه تا به حال اتفاق افتاده و مقایسه آن با گفتمان اصیل انقلاب و بازخوانی مجدد گفتمان انقلاب اسلامی هم دغدغه‌های شورای سیاست‌گذاری نهضت مردمی پوستر انقلاب بوده و هم دغدغه تمام هنرمندانی که در این کارگاه‌ها شرکت کرده‌اند.

در کنار این دغدغه‌ها معرفی جریان‌هایی که زالوصفتانه خودشان را به جریان انقلاب وصل کرده‌اند و خون مردم را مکیده‌اند و پرده برداری از چهره زشت و کریه این جریانات، از موضوعات مورد توافق هنرمندان برای تولید پوسترهاست. در این کارگاه‌ها فضای پرحرارت نقد و گفت‌وگوها، همراه با شور و انرژی جوانی و دغدغه‌های دلسوزانه، برای ما سرمایه بزرگی بوده است.

نقد باید تیز و بُرنده باشد

این گرافیست انقلابی اضافه کرد: دغدغه‌ای که خیلی از هنرمندان دارند این است که مبادا در چهلمین سالگرد انقلاب، تولید پوسترها با رویکرد مصلحت‌نگرانه و مبارک‌باد و... ختم شود. بنابراین می‌خواهیم با آثاری که تولید می‌کنیم مستقیم به جایی که مردم از آن آسیب می‌بینند، ضربه بزنیم. درواقع بنا نیست با مجامله و تعارف نقد کنیم؛ اتفاقاً نقد باید تیز و برنده باشد. با این حال باید از کلی گویی‌ها و بی‌انصافی‌ها در حق دستاوردهای نظام بپرهیزیم، مدیران خوب و بد را یکجا مورد نقد قرار ندهیم و به آسیب‌هایی که فضای رسانه‌ای ایجاد کرده، مشغول نشویم. از جوانان این نسل که می‌خواهند از درون گفتمان انقلاب، مشکلات جامعه را نقد کنند، انتظار می‌رود دچار این مشکلات نشوند.

دبیر نهضت مردمی پوستر انقلاب درباره عنوان کلاس‌هایی که در طول این دوره برگزار می‌شود، گفت: کلاس ایده پردازی با حضور حجت الاسلام محمدی فرید و حجت الاسلام قاسم پور و استاد محمدرضا دوست محمدی برگزار شد.

سپس در کلاس «بیلبورد یک پوستر بزرگ نیست» استاد مسعود نجابتی نگاهی به قابلیت‌های طراحی گرافیک در تبلیغات شهری و باورهای غلط و آسیب‌هایی که به این حوزه وارد است، داشت. در این کلاس علاوه بر هنرمندان، شرایط برای حضور عموم افراد فراهم بود. کارگاه‌های دیگر نیز به تولید نمونه‌های اولیه و بحث و گفت‌وگو و تمرین آثار گذشت.

اکران بلافاصله پس از تولید

میری درباره نوع استفاده از آثاری که در کارگاه‌ها تولید می‌شوند، بیان کرد: آثار برگزیده به علاوه بخش سفارش آثار، به بسته‌های نمایشگاهی و تبلیغات شهری تبدیل می‌شوند. این بسته‌ها در شهرهای مختلف به دستگاه هایی که امکان تبلیغات شهری دارند، تقدیم می‌شود. یکی از کارهایی که برای اولین بار در حال انجام است، این است که همان تشکل‌های مردمی که در استان‌های مختلف درگیر تولید پوستر بودند، بعد از تولید، همان آثار را با همکاری نهادهای مختلف و تشکل‌های مردمی به اکران در می‌آورند.

بدون حمایت دولتی موفق شدیم

در ادامه حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد قاسمپور، عضو شورای سیاست گذاری نهضت مردمی پوستر انقلاب و از بنیان گذاران اصلی این تشکل، در حاشیه برگزاری این کارگاه‌ها درباره شروع به کار نهضت مردمی پوستر انقلاب، گفت: در ابتدای راه فکر نمی‌کردیم این حرکت این قدر گسترده و تا این حد موفق شود. البته اکنون نگاهمان به آینده و مسیر پیش رو بسیار شفاف و روشن است و می‌دانیم که باید برای دهه آینده برنامه ریزی کنیم. درباره ثمرات نهضت باید بگویم نهضت یک مؤسسه دولتی یا مورد حمایت جدی نیست، اما اکنون به یک جریان نهضت‌گونه تبدیل شده است. اسم این جریان را نهضت مردمی گذاشتیم؛ چرا که هنرمندانی که در سراسر کشور به این نهضت می‌پیوندند همه از متن مردم برخاسته‌اند.

این کارشناس حوزه گرافیک و پویانمایی در ادامه به خلاصه‌ای از دستاوردهای نهضت مردمی پوستر انقلاب اشاره و بیان کرد: از دستاوردهای نهضت مردمی پوستر انقلاب می‌توان این موارد را نام برد: ابتدا اینکه این حرکت دائماً و حقیقتاً مردمی طی طریق کرد. به عنوان مثال ما در تأمین منابع مالی نهضت از نذورات، انفاق و وقف برخوردار بوده‌ایم. این پایه‌های مردمی بودن را نشان می‌دهد. دوم اینکه سعی کرده‌ایم نگاهمان به منویات فرمانده کل قوای فرهنگی باشد و از رصد کامل و جامعی که ایشان دارد، استفاده کنیم و بازو و ابزار هنری آن حرف‌ها و دغدغه‌ها باشیم. در ۱۰ سال گذشته وقتی مقام معظم رهبری نکته و تحلیلی داشتند، نهضت، یکی از بازوهای هنری اصلی دغدغه‌های ایشان در کشور بوده است. فراگیر کردن، بسط و تبلیغ بیانات رهبری در شئون مختلف دغدغه ما بوده است. نکته سوم، این است که وقتی ما ادعای مردمی بودن داریم، باید آثارمان را هم به دست مردم برسانیم؛ پوستر را تولید نکرده‌ایم که در آرشیومان بگذاریم. برای همین در این سال‌ها شبکه مردمی گسترده‌ای تشکیل دادیم که در توزیع کارها یاری‌گر ما بوده است. به عنوان مثال پرستاری در مشهد داریم که ایشان عضو شبکه توزیع مردمی نهضت است. ایشان در این چند سال گذشته، هر هفته تعدادی از پوسترهای نهضت را با هزینه شخصی خودشان پرینت رنگی می‌گیرند و در تابلوی اعلانات بیمارستان قرار می‌دهند.

قاسمپور در تشریح چهارمین دستاورد نهضت مردمی پوستر انقلاب گفت: در دهه‌ای که گذشت ما شاهد حضور سه نسل از هنرمندان نهضت هستیم. یک نسل اساتیدی که انقلابی و مذهبی بودند اما به نوعی گوشه‌گیر یا ناامید بودند و یا فضای کار برایشان فراهم نبود. نهضت توانست روحیه جدیدی به این هنرمندان بدهد و این عزیزان را دوباره به میدان بیاورد. نسل دوم هنرمندانی بودند که در آغاز تشکیل نهضت، حرکت را شروع کردند و آن را در کل کشور گستردند. نسل سوم هم توسط نسل دوم آموزش دیده‌اند و طی دهه گذشته با فعالیت‌های نهضت از مرحله تجربی به مرحله حرفه‌ای رسیده‌اند.

این هنرمند انقلابی در ادامه افزود: ما در نهضت چندلایه آدم داریم؛ اساتید و هیئت علمی، طراحان و گرافیست‌ها، ایده پردازان و کسانی که ادبیات و محتوا تولید می‌کنند، مترجمان،

برش

قاسمپور: مجموع ایده‌پرداز، طراح، استاد، بانی، توزیع کننده، نقاد، وکیل و... را شبکه مردمی نهضت می‌گوییم. از کنار هم قرار گرفتن تمام این اتفاقات، گسترده‌ترین شبکه گرافیست‌های انقلابی شکل گرفته است. در واقع ما به یک لشکر گرافیست حرفه‌ای در فضای انقلاب اسلامی مجهز هستیم

توزیع‌کنندگان و حامیان مردمی. عموماً مردم فکر می‌کنند کسی می‌تواند در نهضت فعالیت کند که حتماً طراح و گرافیست باشد. ابداً این طور نیست. ما به مدلی از کار هنری و فرهنگی در راستای ارزش‌ها و نیازهای انقلاب اسلامی رسیده‌ایم که اگر کسی نمی‌تواند در طراحی به نهضت کمک کند، می‌تواند در قسمت مالی و اسپانسری، در معرفی و توزیع آثار، ایده پردازی، ترجمه و... کمک کند.

مجموع ایده پرداز، طراح، استاد، بانی، توزیع‌کننده، نقاد، وکیل و... را شبکه مردمی نهضت می‌گوییم. از کنار هم قرار گرفتن تمام این اتفاقات، گسترده‌ترین شبکه گرافیست‌های انقلابی شکل گرفته است. به لطف نهضت و تلاش دسته جمعی دوستان، ما به یک لشکر گرافیست حرفه‌ای در فضای انقلاب اسلامی مجهز هستیم.

نهضت مردمی پوستر انقلاب باعث شد ذائقه گرافیک انقلاب عوض شود و به هنرمندان گرافیک انقلاب گفت، مجبور هستید حرفه‌ای بشوید و در این جهت آن‌ها را حمایت و همراهی کرد.

جشنواره

اختتامیه همایش ادبی «سوختگان وصل» چهارم دی برگزار می‌شود

فارس: مراسم اختتامیه هفدهمین همایش ادبی سوختگان وصل به تعویق افتاد و قرار است ۴ دی ماه برگزار شود.

نویسندگان و شاعران برای شرکت در این همایش ادبی باید آثار خود را که با محوریت نکوداشت مقاومت و حماسه آفرینی مردم یمن بود، به دبیرخانه ارسال می‌کردند.

بر اساس این گزارش، فاطمه نانی‌زاد دبیر هفدهمین همایش ادبی سوختگان وصل پیش از این اعلام کرده بود، اختتامیه این دوره از همایش سوختگان وصل ۲۷ آذر برگزار خواهد شد، اما این مراسم به ۴ دی ماه موکول شد.

همایش ادبی سوختگان وصل در دو بخش شعر و داستان کوتاه و با موضوع حماسه یمن از سوی دفتر ادبیات نهاد در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.

موسیقی

حسین بهروزی نیا: مردم فکر می‌کنند کنسرت خوب یعنی خواننده معروف

مهر: آهنگساز و نوازنده موسیقی ایرانی در آستانه برگزاری اولین کنسرت رسمی گروه «بربطیان» از شرایط نامتعادل جذب مخاطب در فرایند تولید و بازاریابی موسیقی سخن گفت. حسین بهروزی نیا با اشاره به اینکه تغییر رویکرد مخاطبان موسیقی بویژه مخاطبان موسیقی ایرانی به اجراهای با خواننده، توجه او را جلب کرده است، بیان کرد: متأسفانه اگر فلان خواننده معروف حضور نداشته باشد به اجرای آن برنامه روی خوش نشان نمی‌دهند، یعنی مخاطب فکر می‌کند اگر کنسرت خواننده معروف نداشته باشد از درجه کیفی قابل قبولی برخوردار نیست. این نوازنده عود و بربط در بخش دیگری از صحبت‌های خود تصریح کرد: زیرا وقتی نگاه بیزینسی صِرف در حوزه موسیقی جای کیفیت و استاندارد را گرفته، دیگر امیدی هم به حضور اسپانسر وجود ندارد، مگر اینکه سودی اقتصادی درون کار مستتر باشد که خوشبختانه یا متأسفانه ما از این قاعده مستثنا هستیم اما خوشحالیم که با حضور مؤسساتی چون «نغمه حصار» هنوز حمایت هایی داریم.

بازتاب

در برنامه «شب روایت» مطرح شد

نباید برای حفظ آدم‌ها، مرزها را تغییر داد

ادب و هنر: «شب روایت» در دهمین نشست خود، با موضوع بررسی جایزه جلال، شامگاه ۲۰ آذر، میزبان مصطفی وثوقی کیا و محمد صادق علیزاده، خبرنگار و کارشناس کتاب بود. وثوقی کیا در مورد حواشی اختتامیه یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال توضیح داد: اولین حواشی برمی‌گردد به انتخاب رمان «رهش» آقای امیرخانی که از روز انتشار خبرساز بوده است. خیلی‌ها عقیده داشتند که این بهترین کتاب آقای امیرخانی نیست و بهتر بوده کتاب‌های دیگر ایشان جایزه می‌گرفتند.

جایزه جلال جایزه یک نفر نیست!

حجت الاسلام دیانی، کارشناس مجری این برنامه درباره امیرخانی گفت: ایشان در ۳ سال گذشته همیشه سهمی از اختتامیه جایزه جلال داشته است. در این ۳ سال جوری صحبت‌های ایشان بیان شده که تمام توجه رسانه‌ها به سمت صحبت‌های ایشان رفته است. این‌ها باعث شده‌اند که فقط آقای امیرخانی در جایزه جلال دیده شود و این سبب می‌شود ما کتاب‌های دیگر را نبینیم؛ مثل کتاب خانم سید قاسم. همه چیز در حال گردش پیرامون یک نفر و حرف هایش است، درحالی که جایزه جلال، جایزه یک نفر نیست.

علیزاده در توضیح بیشتر این موضوع ادامه داد: ما کمتر نویسنده‌ای داریم که مثل رضا امیرخانی به فرایندهای بعد از انتشار کتابش به اندازه فرایندهای پیش از انتشار هم توجه کند و بها بدهد. خب مشخص است که با این شرایط ایشان بیشتر دیده می‌شود.

در بخش گفت‌وگوی برنامه، احمد شاکری، نویسنده و منتقد ادبی، حضور پیدا کرد تا در مورد جایزه جلال صحبت کند.

شاکری در مورد مرزبندی در دل جریان ادبیات متعهد گفت: نگاه متولیان جایزه جلال این است که ما بهتر است مرزبندی نکنیم. یعنی همه آثار مجوز گرفته از ارشاد می‌توانند شرکت کنند، در حالی که همه می‌دانیم ارشاد و مجوزش در دوره‌های مختلف با معیارهای مختلف انجام می‌شده. نکته بعد این است که بین اثری که می‌خواهد مجوز بگیرد و اثری که می‌خواهد جایزه بگیرد بسیار تفاوت است. مسئله اینجاست که آیا این مرزبندی فقط در حوزه نظر است یا اینکه در حوزه عمل هم باید اجرا شود؟

شاکری ادامه داد: این خلط بین حوزه نظر و عمل است. اینجا حوزه سلیقه نیست، حوزه مبانی است. ما در مبانی نظری خود قاطع هستیم و مرزها مشخص هستند. ما نباید برای حفظ آدم‌ها مرزهایمان را تغییر بدهیم. مرزها باید مشخص شوند و این آدم‌ها هستند که باید خودشان را جا به جا کنند.

وی در نقد نویسنده‌محوری گفت: نتیجه این نویسنده‌محوری این بود که ما در طول سال‌ها برای چهره‌هایی که تغییر کردند هزینه کردیم و از طرفی ادبیات ما به دلیل سیاست نویسنده محوری قادر به جایگزین این چهره‌ها نبود.

در سیاست‌های ادبی ما منتقد جایی ندارد

شاکری در مورد نقد داوری گفت: آیا کسی که می‌تواند بنویسد تحلیلگر خوبی نیز هست؟ وی در مورد نقد ادبیات گفت: ما اساساً چیزی به عنوان نقد ادبیات متعهد نداریم. در سیاست‌های ادبی ما منتقد جایی ندارد. در خلأ نقد، شبه نقدها رشد می‌کنند.

جایزه جلال در هیچ دوره‌ای جریان‌ساز نبوده است

وی درباره اینکه آیا عملکرد جایزه جلال نتیجه سیاست اشتباه یک مدیر است یا این آیینه ادبیات ماست، پاسخ داد: جایزه جلال تا حدودی آیینه کار ما در این ۴ دهه است. مسئله ساختارهای کلانی است که ما را به اینجا می‌رساند. به نظر می‌رسد ما ۴ دهه است که سیاست‌ها را اشتباه دنبال می‌کنیم. خطر را باید در جایی که دیده نمی‌شود، در اندیشه‌ای که در چینش و انتخاب داوران و هیئت علمی یک فکر مشخص را تزریق می‌کند، جست. جایزه جلال در هیچ دوره‌ای جریان ساز نبوده است.

جایزه‌ای باب میل مدیران

شاکری توضیح داد: تأکید بر جوایز، باب میل مدیرانی است که می‌خواهند یک برنامه زود بازده و ساده داشته باشند و همیشه در ویترین باشند، جشنواره باب میل این مدیران است. مدیر بلند اندیش دنبال جشنواره نیست. جشنواره‌ای مثل جلال دنباله‌ای ندارد چون مؤید به هیچ تئوری‌ای نیست. این یک جایزه محفلی است چون سلایق ملی در آن در نظر گرفته نمی‌شود. دیانی در انتها افزود: در اساسنامه جلال آمده که جایزه جلال قرار است به آثاری که ادبیات دینی و ملی را گسترش می‌دهند، داده شود. برخی از آثار طبق این اساسنامه نمی‌توانستند مورد توجه باشند.

گفت‌وگوی قدس با امیرحسین نوروزی، کارگردان مستند «نجات»

وجه انسانی «مقاومت» آن را ماندگار کرده است

سیما و سینما/ صبا کریمی | «نجات» دومین مستند از سه گانه‌ای است که پس از ساخت «پل» توسط امیرحسین نوروزی کارگردان و مستندساز جلوی دوربین رفته است. مجموعه مستندهایی که به گفته خودش قرار است آن‌ها را تبدیل به سه گانه‌ای درباره جنگ، مقاومت و زندگی کند. مستند تحسین شده «پل» اولین بخش این سه گانه است که پیشتر در جشنواره حقیقت و عمار به نمایش درآمده است و در همین مستند بود که یکی از همراهانش نیز به شهادت رسید و همین مسئله جرقه‌ای برای ساخت دومین بخش این سه گانه یعنی «نجات» شد. در خلاصه داستان مستند «نجات» آمده است: «اما... در میون این هیاهو، فریاد کمک و درخواست نجات، نقش‌های دیگه‌ای برای آدم‌ها رقم می‌زد؛ نقش‌هایی فراتر از جنگیدن». نوروزی که با مستند «پل» دیپلم افتخار بهترین کارگردانی مستند نیمه‌بلند و تندیس بهترین صداگذاری و تدوین را از نهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت دریافت کرد، در گفت وگویی اظهار داشت: «برای من فیلمسازی این نیست که فیلم بسازم تا جایزه بگیرم. فیلمسازی مانند مرگ و زندگی است، اگرچه دیده شدن و جایزه گرفتن اتفاقی لذت‌بخش و دوست‌داشتنی است، اما هدف مستندساز تنها دیده شدن نیست!» این کارگردان امسال با این مستند در بخش ملی و شهید آوینی در جشنواره سینما حقیقت حضور دارد. به همین انگیزه با او به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

نوروزی در ابتدای سخنان خود با اشاره به مراحل ساخت این مستند اظهار کرد: ایده اولیه این کار همراهی دوباره با شخصیت اصلی مستند «پل» و گزارشگر آن سیدمرتضی موسوی است. پس از آن مستند یک دوستی میان ما ایجاد شد که ادامه پیدا کرد و در رفت و آمدهای من به عراق و ایشان به تهران همدیگر را می‌دیدیم. این دغدغه همیشه در ذهنم وجود داشت که یک بار دیگر پس از شهادت علی با وی همراه شوم و کار دیگری با هم بسازیم. شهید علی انصاری از کسانی بود که در مستند «پل» با او آشنا شدم و در آن مستند یک عملیات جنگی علیه داعش به تصویر کشیده شد که متأسفانه در پایان آن علی به شهادت رسید و مستند با صحنه شهادت او تمام شد. ضمن این که در ذهنم هست که پس از جنگ هم این سه گانه را تکمیل کنم و مستندی درباره فضای زندگی پس از جنگ هم بسازم.

وی درادامه افزود: اما بعد از فیلم «پل» به این فکر می‌کردم که با موسوی برای ساخت یک مستند دیگر همراه شوم که چند سالی این اتفاق نیفتاد، اما دو سه سال بعد از آن ماجرا در سفری به بخش‌هایی از موصل رفته بودم که به نتیجه‌ای نرسید، اما در نهایت زمانی که در مناطق عملیاتی در جست‌وجوی محلی بودم من و موسوی باز به هم رسیدیم و او مرا پیدا کرد و با هم راهی موصل شدیم. او این بار گروه جدیدی شکل داده بود و جای علی سه چهار جوان متخصص جایگزین کرده بود و در کل گروه تکمیل شده‌ای داشتند.

نوروزی یادآور شد: یک خاطره مشترکی که در پس زمینه ذهن من و سید وجود داشت، جراحت و شهادت و عدم توانایی ما برای نجات علی بود. این جراحت ناشی از عدم توانایی در نجات دادن یک دوست در روح همه ما وجود داشت. در ابتدای همان سفر هم قبل از ورودم به بغداد او یک فیلمی را به من نشان داد که در آن فیلم جوانی که شبیه علی تیر خورده را نجات داده بود در حالی که حتی نمی‌دانست که او چه کسی است و فقط می‌خواست او را نجات دهد. من احساس کردم مسئله‌ای مانند نجات دادن آدم‌ها برای سید خیلی جدی شده است و به دلیل مواجهه بسیار با چنین صحنه هایی به فردی بدل شده که جدا از شخصیت جنگی و گزارشگرش یک موجودیت دوست داشتنی برای مردم پیدا کرده است.

در دل سختی و ترس هم می‌توان به فرم رسید

وی ادامه داد: با همین پیش زمینه‌ها ما سفر را شروع کردیم و مسئله نجات زندگی انسان‌ها هم به عنوان یک دغدغه در ذهن ما بود. تا اینکه از چندین عملیات خاص گذشتیم و سعی من بر این بود تا مخاطب در نزدیک‌ترین حالت ممکن با این عملیات‌ها قرار بگیرد و اصطلاحاً رخ به رخ با عملیات‌ها روبه رو باشد. در نهایت با همان پیش زمینه نجات و زندگی بخشیدن به پایان فیلم برمی‌گردیم و در واقع ابتدا و انتهای فیلم یک حلقه ارتباطی با مقوله نجات دارد و در میانه فیلم هم در دل جنگ و درگیری و سختی‌های ظاهری جنگ می‌گذرد.

وی در خصوص فرم این مستند عنوان کرد: عموماً کارهایی با این سبک و سیاق به دلیل این که در دل جنگ و عملیات اتفاق می‌افتند به فیلمساز تنها معروف هستند و فیلمساز خودش به تنهایی فیلمبردار و صدابردار است و این موضوع ممکن است سبب شود گاهی فیلمساز را از حوزه‌های تکنیکی غافل کند و نتواند کاری انجام دهد، اما وقتی ممارست و تمرین داشته باشد ناخودآگاه قالب و فرمی ایجاد می‌شود که می‌توان آن را رعایت کرد و در دل سختی و ترس هم می‌توان با آن کار کرد. در این شرایط فرم دوربین روی دست استفاده می‌شود که در واقع مخاطب اتفاقات را از نگاه فیلمبردار می‌بیند و تجربه کسب کردن در آن می‌تواند منجر به خلق زاویه دید و ایجاد یک روایت تازه باشد و هم می‌تواند فرمی منطبق با داستانی که فیلمساز در پی روایت آن است را ارائه دهد.

وجه انسانی مفهوم مقاومت

این مستندساز درباره نقطه اشتراک مفهوم مقاومت در جنگ‌هایی مانند جنگ تحمیلی و جنگ‌هایی در منطقه عنوان کرد: آنچه که متمایزکننده نگاه ما نسبت به مقاومت و تمام تعاریفی که در حوزه مقاومت وجود دارد، وجه انسانی و فراعقیدتی آن است. در جنگ هشت ساله خودمان هم اتفاقات مشابهی پیش آمده و فقط با نگاه چیره شدن بر دشمن حرکت نکردیم و حتماً جاهایی با امان دادن و انسانی رفتار کردن از جمله رفتارمان با اسرا، جنگ را ادامه دادیم که البته بهایش را هم داده‌ایم. چناچه در خاطراتمان هم داریم که برخی از رزمندگان ما به خاطر همین مسئله به شهادت رسیدند، اما این نگاه انسانی در قاموس و مرامی که ما در حوزه مقاومت به آن معتقدیم وجود دارد و نگاهی در برخی کشورهای همسایه ما که رزمندگانش به آن هم معتقد هستند، وجود دارد و آن هم این است که ورای جنگیدن و غالب شدن به دشمن، ارزش‌های دیگری هم در حوزه مفاهیم انسانی وجود دارد که پایبند بودن به آن‌ها مهم‌تر از غلبه و چیره شدن بر دشمن است که البته این موضوع مورد سوءاستفاده دشمن هم قرار گرفته، اما بهایش را هم پرداختیم؛ بنابراین هرچقدر سعی کردیم انسانیت را حفظ کنیم همین مسئله سبب ماندگار شدن و قوام پیدا کردن مفهوم مقاومت شده است. این همان چیزی است که نمی‌گذارد واژه مقاومت از بین برود، ضعیف شده یا به معنای دیگری تبدیل شود. چرا که به جز چیره شدن ظاهری معنای دیگری هم در حوزه حرمت انسانی هم برایش مهم است.

جشنواره حقیقت مسیر رو به رشدی داشته است

نوروزی در پایان به جشنواره حقیقت اشاره کرد و گفت: خوشبختانه جشنواره جایگاه و قوام خوبی پیدا کرده و در همین روزهای برگزاری هم شاهد استقبال بسیار بالای مخاطبان از آن هستیم و اغلب فیلم‌ها با سالن‌های پر نمایش داده می‌شوند و حضور مخاطبان شگفت انگیز است و این مسئله بسیار امیدوارکننده است. این برای جشنواره‌ای همچون حقیقت امتیاز بزرگی است که توانسته به گونه‌ای عمل کند که مخاطب از دیدن این فیلم‌ها اینگونه استقبال کند و در کل می‌توانم بگویم جشنواره حقیقت همواره مسیر رو به رشدی را طی کرده است.

وی ادامه داد: اما پس از جشنواره به جز یکی دو برنامه‌ای که خود مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برگزار می‌کند و آن هم نمایش منتخب‌های جشنواره است؛ به نظرم جا دارد که تلویزیون قدری بیشتر به نمایش آثار توجه کنند تا کسانی که امکان حضور در جشنواره را نداشتند هم بتوانند این آثار را ببینند. بویژه که امسال آثار جشنواره از سطح کیفی بسیار بالایی برخوردار است و قابلیت این را دارد که در تلویزیون، بخش‌های جانبی اکران‌های دانشگاهی، هنر و تجربه و دیگر فضاهای فرهنگی به نمایش درآید.

معرفی کارگردان

نگاهی به دیگر آثار امیر حسین نوروزی

مبارزه فقط با تفنگ نیست

متولد: ۱۳۵۹ در تهران
تحصیلات: کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی
فیلمشناسی: پل، بازی انگلیسی، قطعه ۲۱، شاعر سپیده، شهربانو

امیر حسین نوروزی فیلمسازی را بعد از دانشگاه با مؤسسه روایت فتح تجربه کرده است. او مدتی در کرمانشاه زندگی کرده است و به همین خاطر فضای جنگ را پیش از این تجربه کرده است.

«پل» ساخته امیرحسین نوروزی یکی از ۶ نامزد تندیس هنر و تجربه در جشنواره فیلم‌های مستند سینماحقیقت در دوره‌های پیشین است. در این اثر مستندساز به همراه دوربینش با یک گروه از جنگجویان شیعه عراقی همراه می‌شود که در منطقه‌ای به نام المنصوریه جبل با نیروهای داعش درگیرند. آن‌ها باید از روی پلی کوتاه و کم‌عرض بگذرند و آن سوی نهر با نیروهای داعش درگیر شوند. کل منطقه در تیررس تک‌تیراندازهای داعش است و عبور از این پل خطرات زیادی دارد. دوربین در این مستند تکان‌دهنده و بسیار شجاعانه گاهی در دست مستندساز و گاهی روی کلاه یکی از نیروهاست و «پل» تجربه همراه شدن در جنگ علیه تروریست‌ها آن هم در اولین صف آن است.

وی مخاطب جدی آثارش را بیشتر فیلمسازان و سپس مردم می‌داند و در این باره گفته است: به نظرم یک گروه که می‌تواند مخاطب جدی این فیلم باشد، مستندسازانی هستند که اگر به اصل موضوع، یعنی به مبارزه کردن با یک سیاهی معتقد باشند و درک کنند که قسمتی از آن مبارزه تیر و تفنگ و فشنگ نیست، یک دوربین است که لحظه را ثبت می‌کند و برای تاریخ باقی می‌گذارد که یک روزگاری چگونه برما گذشته است. یک مخاطب جدی دیگرش همه ما ایرانی‌ها هستیم. من وقتی برگشتم از این ماجرا به تهران، تازه فهمیدم که خدایا امنیت چه چیز عجیبی است. جنگ شهری خیلی فرق دارد با جنگ کلاسیک. نمی‌فهمی از کجا دارند تو را می‌زنند. تازه وقتی برمی‌گردی می‌فهمی امنیت چه نعمت بزرگی است. خدا این امنیت را به همه مردم آن منطقه ببخشد و برای ما روزافزون کند و هیچ‌جایی جنگ نباشد.

گزارش

رونمایی و نقد مستند «میهمان» ساخته مسعود دهنوی در پردیس سینمایی هویزه مشهد

تداعی رستاخیز در اربعین حسینی

سیما و سینما/ زهره کهندل: مراسم اکران و بررسی مستند «میهمان» ساخته مسعود دهنوی از سوی انجمن فیلمسازان انقلاب اسلامی خراسان در پردیس سینمایی هویزه مشهد برگزار شد.

مسعود دهنوی، کارگردان این مستند گفت: من با طرح و ایده برای ساخت مستند به عراق رفتم. این طور نبوده که دوربین را بردارم و بروم پیاده‌روی اربعین، حتماً از قبل برنامه ریزی داشتم و با ایده رفتم.

وی توضیح داد: مستند اولم با عنوان «میزبان» کاری مبتنی بر تدوین بود، اما در مستند دوم یعنی «میهمان» با طرح و ایده جلو رفتیم و بخشی از کار هم در تدوین درآمد. البته در مورد مستند میزبان، این طور نبود که کل کار را به تدوینگر بسپارم.

به گفته وی، تولید مستند میزبان با موضوع پیاده‌روی اربعین مربوط به سال ۹۵ است و مستند میهمان، اربعین پارسال تصویربرداری شد که حدود یک ماه پیش تدوین آن به پایان رسید و این برنامه، اولین رونمایی از آن است.

این مستندساز خاطرنشان کرد: ما ۲۰۰ سوژه را در مسیر پیدا کردیم و فقط مصاحبه صوتی از آن‌ها گرفتیم و سپس این صداها را با تصاویری که احساس کردیم به ندای درونی آن‌ها نزدیک‌تر است، میکس کردیم.

دهنوی با بیان اینکه طرح مستند «میهمان» سفری از مرگ تا بهشت بود، گفت: لحظه اول که تصاویر پارکینگ شلمچه به نمایش گذاشته می‌شود، تداعی مرگ را داریم تا اینکه این مسیر با رسیدن به حرم امام حسین (ع) به بهشت ختم می‌شود.

وی ادامه داد: تصویربردار ما اولین بار بود که به پیاده روی اربعین می‌آمد و کسی که اولین بار می‌آید، نگاه ناب‌تری دارد و تصاویر بکرتری می‌گیرد. در آغاز راه به گروه گفتم که منزلگاه نداریم و قرار است که کل مسیر را پیاده برویم و قصه‌ها را پیدا کنیم. تجهیزات حرکتی را آماده کردیم و بیشتر مسیر را باید می‌دویدیم، ضمن اینکه به حرکت آهسته تصاویر هم فکر شده بود. قرار بود که دوربین مثل روح سرگردانی لابه لای آدم‌ها بچرخد، به همین دلیل در جاهایی دوربین آرامش دارد و در جاهایی مضطرب است.

اتفاقی شبیه مرگ

کارگردان مستند «میهمان» با بیان اینکه اکثر آدم‌هایی که به پیاده‌روی اربعین می‌روند، با کوله پشتی هستند و هر کسی که توشه سبک‌تری داشته باشد، حرکت سریع‌تری دارد، گفت: آدم‌های تنها در این مسیر بسیار بودند که تصویر برزخ را تداعی می‌کرد. ماشین و فضای پارکینگ شلمچه را نماد مادیات در نظر گرفتیم. می‌خواستیم نشان دهیم که آدمی تنهاست و بناست دلبستگی‌هایش را رها کند. می‌خواستیم اتفاق اربعین را به اتفاق مرگ، شبیه‌سازی کنیم. وی ادامه داد: کار در ابتدا، نریشن داشت و حتی خوانده شد، اما روی کار ننشست و خواسته ما را اجابت نکرد. در این مستند می‌خواستم تصویر برزخ را نشان دهم و مسافری که پس از مرگ، مسیر بهشت را طی می‌کند، ضمن اینکه تک آیه‌هایی نیز ضمیمه کار شد. تمام کسانی که در فیلم دیده می‌شوند، مانند مردگانی بودند که از میان آن‌ها فقط مؤمنین و دوستداران امام حسین (ع) به بهشت می‌رفتند.

مصطفی سید آبادی، منتقد با بیان اینکه برخی از تصاویر مستند خارج از فرم مستند بود و در خدمت روایت نبود، خاطرنشان کرد: ۲۰ دقیقه حرکت آهسته ممکن است که ریتم کار را کُند و مخاطب را خسته کند.

دهنوی پاسخ داد: خواستم که ریتم این طور باشد تا کار حسی‌تر شود و به اهداف اصلی کار نزدیک‌تر شویم. ضمن اینکه به تدوینگر اعتماد کردم و از کارش راضی بودم. بیشتر از آنچه پیش بینی کرده بودیم، تصویر گرفتیم. سعی ما بر این بود که تصاویر مستقیماً در خدمت روایت باشد یا غیرمستقیم به راویت کمک کند.

فرمی که به پختگی نرسید

جواد صداقتی، مستند ساز هم در سخنانی گفت: خیلی با کار ارتباط برقرار نکردم و شاید دلیلش به انتخاب اولیه کارگردان برمی‌گردد که تصمیم گرفته بود کار فرمی بکند و با استفاده از تصویر و صدا، بدون نریشن به هدفش برسد، اما اینکه چقدر موفق بوده، باید نظر مخاطب را پرسید. وی افزود: کار مستند، دادن آگاهی، تغییر نگرش و ایجاد نگرش تازه در مخاطب است و به نظرم مستندهای میهمان و میزبان در این باره خیلی موفق نبودند.

صادق رمضانی، دیگر مستند ساز هم درباره فرم مستند «میهمان» اظهار داشت: مستند تداعی گر و مستند شاعرانه از سبک‌های مستندسازی است و نمونه موفق این سبک، مستند «لبیک» است. به نظرم کارگردان مستند «میهمان» در زمان تولید و دکوپاژ تصویرداری، بخشی از اصول این سبک را در نظر نگرفته است، مثلاً اینکه عراق، کشور زیبایی نیست و در مسیر اصلی راهپیمایی اربعین، تصاویر بصری زیبای کمی یافت می‌شود، در حالی که کارگردان مستند «لبیک» که از سبک مستند تداعی گر یا شاعرانه بهره برده، به سراغ مناطق بکر و زیباتر در عراق رفته است.

به گفته این منتقد، شلختگی در حوزه تصویربرداری سبب شده بود که این شیوه روایی به خوبی شکل نگیرد. در بحث کارگردانی هم اصول حرفه‌ای، بدرستی رعایت نشده بود، در حالی که فیلمسازی به این سبک، بسیار دشوار است و در مستند «میهمان» فرم به پختگی نرسیده بود.

خبر

محسن روزبهانی:

«سرو زیر آب» خاطرات یک نسل را زنده می‌کند

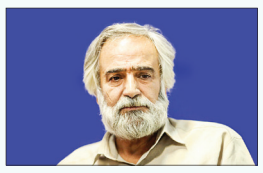

سوره سینما: طراح جلوه‌های ویژه میدانی «سرو زیر آب» تأکید کرد: زنده‌کردن خاطرات نسلی که با ایثار از سرزمینش دفاع کرده، امتیاز این ساخته محمدعلی باشه‌آهنگر است.

محسن روزبهانی گفت: من قبلاً در «ملکه» با آقای باشه آهنگر همکاری کرده بودم، وی کارگردانی حرفه‌ای و سختکوش و مردی نجیب است که معاشرت و همکاری حرفه‌ای در کنارش برایم دوست‌داشتنی است. زمانی که فیلمنامه «سرو زیر آب» را مطالعه کردم مضمون و فضای آن را دوست داشتم.

وی ادامه داد: شاید در نگاه اول و در مقایسه با کارهای متعددی که در سینمای ایران انجام داده‌ام، «سرو زیر آب» ویژگی منحصر به فردی نداشته باشد، اما اهمیت این فیلم برای من مضمون میهن‌پرستانه آن بود.

«سرو زیر آب» خاطرات نسلی را زنده می‌کند که با ایثار و عشق به سرزمینشان جنگیدند و به دنبال منافع شخصی نبودند.

روزبهانی گفت: «سرو زیر آب» را از صمیم قلب دوست دارم، حس خوبی به آن دارم و زمانی که حاصل کار گروه را روی پرده دیدم، به نظرم رسید نتیجه تلاش این تیم، نتیجه مثبتی داشته است. «سرو زیر آب» احساس تماشاگر را درگیر می‌کند.

فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر با بازی بابک حمیدیان، مینا ساداتی، هومن برق‌نورد، رضا بهبودی، مسعود رایگان و ... روی پرده است. مؤسسه بهمن سبز این فیلم را پخش می‌کند.

«ماه و غزل» محرم ۹۸ روی آنتن می‌رود

باشگاه خبرنگاران: مجموعه تلویزیونی «ماه و غزل» به تهیه کنندگی محسن علی اکبری محرم ۹۸ به روی آنتن می‌رود.

تاکنون نگارش ۹ قسمت از این مجموعه ۱۰ قسمتی به نویسندگی سید سعید رحمانی پایان یافته است.

«ماه و غزل» روایتی تاریخی- مذهبی دارد به طوری که به مقطع زمانی دو سال بعد از واقعه عاشورا و پیش از قیام مختار می‌پردازد؛ دورانی که گفته می‌شود بیشترین جنایات بنی امیه در آن تاریخ رخ داده است که یکی از این اتفاقات به «قیام حره» معروف است و بخش اصلی قصه «ماه و غزل» را تشکیل می‌دهد.

این پروژه پس از بازنویسی فیلمنامه و برآورد تولید، اواخر سال جاری وارد مرحله پیش تولید می‌شود و اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت سال آینده تصویربرداری آن آغاز خواهد شد البته احتمال تغییر نام این مجموعه وجود دارد. مجموعه تلویزیونی «الف دزفول» از دیگر سفارشات مرکز سیما فیلم به تهیه کنندگی محسن علی اکبری در ۴۰ قسمت توسط مرجان اشرفی زاده در دست نگارش است که کارگردانی آن را هم اشرفی زاده بر عهده دارد. مقاومت مردم دزفول از سال ۵۹ تا ۶۸ داستان اصلی این مجموعه تلویزیونی است.

«قله‌های برفی» و ماجرای حضور حزب‌الله لبنان در سوریه

فارس: مستند «قله‌های برفی» درباره مقابله حزب‌الله لبنان با گروه‌های تروریستی در سوریه است که در نهمین جشنواره فیلم عمار حضور دارد.

به نقل از روابط عمومی جشنواره فیلم عمار، ناصر نادری کارگردان و مستندساز فعال عرصه جبهه مقاومت، با مستند «قله‌های برفی» درباره مقابله حزب الله لبنان با گروه‌های تروریستی در سوریه، در نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار حاضر می‌شود.

نادری در این باره گفت: این مستند در لبنان و سوریه تصویربرداری شده و در آن، به چرایی، چگونگی و علت حضور حزب الله لبنان در سوریه می‌پردازیم، چرا که پس از ورود این گروه به سوریه شبهات و تهمت‌هایی زیادی درباره این موضوع مطرح شد.

وی افزود: ما در این مستند، مصاحبه‌ای اختصاصی با آقای «میشل عون» رئیس‌جمهور لبنان داریم که یک سال قبل از جنگ سوریه تهیه شده است. فیلمی کمتر دیده شده هم از «سیدحسن نصرالله» داریم که ۱۳ سال قبل از جنگ سوریه ماجرای اختلافات و جنگ سوریه را پیش‌بینی می‌کند. کارگردان «قله‌های برفی» با اشاره به سابقه فعالیت ۱۰ ساله خود در لبنان اضافه کرد: ساخت مستند ۴۳ دقیقه‌ای «قله‌های برفی» دو سال طول کشید و ما از تجربیات سال‌های گذشته خود در سوریه و لبنان برای تولید بهتر این اثر استفاده کردیم. تولید این کار از این جهت بسیار سخت بود که تا امروز اثری درمورد حضور حزب الله لبنان در سوریه ساخته نشده بود و اگر ما سابقه حضور در این کشورها را نداشتیم نمی‌توانستیم این مستند را تولید کنیم.

نادری عنوان کرد: ما در این مستند سراغ شهید «فؤاد مرتضی» و همچنین «شهید کبش» فرزند یکی از علمای بزرگ اهل تسنن لبنان و از شهدای حزب الله هم رفتیم.

کینه ورزی «در آن سوی ابرها»

فارس: برخی سایت‌های خبری اعلام کردند بهمن فرمان‌آرا کارگردان فیلم سینمایی «حکایت دریا» به دلیل حضور مجید مجیدی در رأس هیئت داوران جشنواره فیلم «کرالا» هند، فیلمش را از بخش مسابقه خارج کرده است.

حتی اگر این دو سینماگر ایرانی با یکدیگر مشکل دارند، آیا دلیل می‌شود اختلافات داخلی را به «آن سوی ابرها» در هندوستان ببرند و به آبروی ایران چوب حراج بزنند؟ عجیب‌تر اینکه آقای فرمان‌آرا مدعی شده پس از سفر به هند و حضور در جشنواره متوجه شده که مجیدی رئیس هیئت داوران است. این در حالی است که حداقل یک هفته قبل از آغاز جشنواره «کرالا» این موضوع در رسانه‌های داخلی اطلاع‌رسانی شده بود. به فرض اینکه کارگردان «حکایت دریا» از حضور یک ایرانی در رأس هیئت داوران یک جشنواره غیرایرانی مطلع نبوده، آیا یک جشنواره بین‌المللی جای مناسبی برای تسویه حساب‌های شخصی و بیان اختلافات داخلی است؟

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ شنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۷
۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰ | ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۵۳

کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

درباره راه رفتن

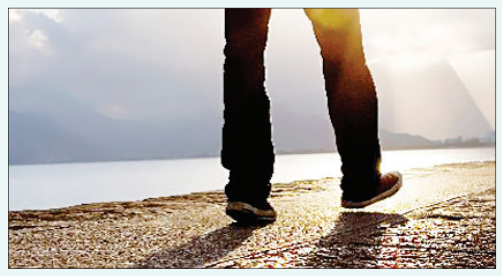

صبح که بیدار می‌شویم فرصتی به ما داده شده تا خودمان باشیم؛ فرصتی که شاید آخرین فرصت باشد. هر کسی می‌تواند به شیوه تازه‌ای مسئله‌های قدیمی را حل کند، ولی سایه سنت‌ها بر سر ما سنگین است. سنت‌ها و سبک‌ها حاصل کار بزرگان و برجستگانند ولی ما هم به هر حال هستیم. در سیره حضرت رسول(ص) آمده است که از راهی می‌رفتند و از راه دیگری بر می‌گشتند.

راه رفتن و حرکت کردن در شهر هم یکی از فرصت‌های ماست. تا پیش از ظهور نقشه‌های اینترنتی، فقط راننده‌های با تجربه برای رفتن به یک مقصد چندین مسیر را می‌شناختند و بقیه ما باید شلوغ‌ترین و پر رفت و آمدترین مسیر را انتخاب می‌کردیم. یک نقشه راهنمای هوشمند ما را با یک خروج از مسیر و بازگشت، از یک گره ترافیکی هولناک عبور می‌دهد. اگر اهل دقت باشیم متوجه می‌شویم که چقدر وقتمان را به‌خاطر نشناختن و بی‌توجهی به واقعیت تلف می‌کنیم. شناسایی، مهم‌ترین بخش هر عملیاتی است. در مرحله شناسایی ما می‌توانیم همه امکان‌ها را روی نقشه در کنار هم ببینیم و به سادگی اختیارات و تصمیمات خودمان را افزایش دهیم.

اگر می‌خواهید با اهمیت شناسایی، بیشتر آشنا شوید، مستند زندگی شهید حسن باقری را ببینید. هوش و خلاقیت ما مهم‌ترین ابزار قدرت ماست ولی به خاطر بی‌توجهی، در مرحله شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات کم می‌گذاریم و در نتیجه در نهایت هم کم می‌آوریم و بازی را به کسی که بیشتر توجه کرده است می‌بازیم. راه رفتن را جدی بگیرید. حتی همین راه رفتن‌های ساده هر روزه به شما اطلاعاتی می‌دهد که کیمیاست. مثل کارآگاه‌ها راه بروید و سعی کنید معنای هر نشانه‌ای را بفهمید، اگر هم حوصله کارآگاه بازی ندارید سعی کنید در راه رفتن و دیدن از بچه‌ها تقلید کنید. برای یک بچه که تازه راه رفتن را آموخته است همه چیز دیدنی است و ارزش شناختن دارد، برای همین است که سرعت یادگیری بچه‌ها این‌قدر بالاست.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

رویگردانی جوانان آمریکایی از مسیحیت

نیوزویک در پرونده‌ای به افزایش رویگردانی جوانان آمریکا از دین مسیحیت پرداخته و تأثیرات آن را بر آینده سیاسی این کشور بررسی می‌کند. این هفته‌نامه یکی از درونمایه‌های اصلی این حزب را جوانان مسیحی دانسته اما بر طبق آمار می‌گوید که درصد جوانانی که از دین مسیحیت خارج می‌شوند در سال‌های گذشته بسیار چشمگیر بوده، به گونه‌ای که ۲۰سال پیش تنها ۴۶درصد سفیدپوستان مسیحی ۵۰ سال یا بالاتر داشتند اما امروز این رقم به ۶۲درصد رسیده؛ که می‌تواند در انتخابات ۲۰۲۰ بسیار تأثیرگذار بوده و ضربه سختی به حزب جمهوریخواه بزند که نماینده آن ترامپ است.

ذخیره سلول روی تراشه!

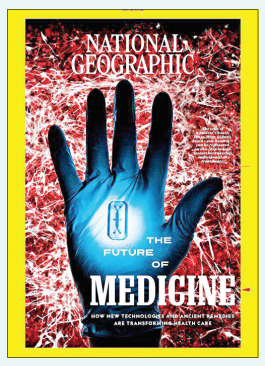

ماهنامه نشنال جئوگرافیک در پرونده‌ای به نقش پررنگ این روزهای فناوری در حوزه پزشکی، سلامت و درمان پرداخته است. این نشریه با تیتر «آینده دارو» نقش استفاده از درمان‌های باستانی و تلفیق آن با فناوری‌های روز را نیز در پیشرفت علم پزشکی بررسی کرده است. طرح روی جلد نشنال جئوگرافیک، تراشه‌ای کوچک را در دست پزشک نشان داده که توانایی این را دارد که ویژگی‌های یک سلول واقعی مغز، قلب، کبد، کلیه و... را دقیقاً روی خود ذخیره کند و در بدن بیمار کار گذاشته شود!

کفش راحت‌تر، مصدومیت بیشتر!

هفته‌نامه نیوساینتیست در مقاله اصلی خود با عنوان «در جست‌وجوی سفیدچاله‌ها» منطقه فرضی سفیدچاله را مورد بررسی قرار می‌دهد، منطقه‌ای در فضازمان که امکان ورود نداشته اما ماده و نور می‌توانند از آن خارج شوند. سفیدچاله‌ها برعکس سیاه‌چاله است که ماده و نور می‌تواند وارد آن شده اما حتی نور نیز امکان گریز ندارد. این نشریه در مقاله‌های دیگر خود سقوط ارزش بیت کوین، افزایش امکان مصدومیت برای پا در کفش‌های راحت و این را که چگونه بعضی از انسان‌ها به طور مادرزادی استعداد هدایت‌گری جغرافیایی خوبی دارند، مورد بررسی قرار می‌دهد.

گزارش از شخص

خالق موش‌های رؤیاخوار

«والت دیزنی» ۵۲ سال پیش در گذشت

ایستگاه/ مجید تربت زاده

نوشتن از مردی که شاید همه رؤیاهای دوران کودکی و نوجوانی مان را تسخیر کرده و شخصیت‌های جذاب و عجیب و غریب کارتون‌هایش حتی هنوز و در بزرگسالی انگار رهایمان نکرده‌اند، آسان نیست. شهرت «والت دیزنی» و آثارش به مدد جادوی هالیوود و قدرت سحرآمیزش، چهار گوشه و کنار جهان را در نوردیده و با قصه‌های باور کردنی و نکردنی، توانسته کوچه پسکوچه‌های همه فرهنگ‌ها را فتح کند. نسخه‌های بی‌شمار «میکی ماوس» موش دوست داشتنیِ «دیزنی» به سوراخ سنبه‌های فرهنگ همه ملل در سرتاسر جهان نقب زده و سرک کشیده است و رگ خواب کودکان جهان را جویده و کماکان می‌جود. چه عاشقان سینه‌چاک سینما و انیمیشن جهان و چه منتقدان نکته‌سنج و ریزبین، «دیزنی» و میراث باقی مانده از او را ستوده و می‌ستایند. این گروه دوم اما به جز ستایش و تمجید، حرف‌های دیگری را هم درباره پشت پرده‌های موفقیت و شهرت دیزنی، میکی ماوس، سفید برفی، سیندرلا و... زده‌اند.

نقاشی

«والتر الیاس دیزنی» اگرچه زاده شهر شیکاگو در آمریکاست اما اصل و نسبش را که بکاوید رگه هایی از پدر ایرلندی - کانادایی و مادر آلمانی - انگلیسی را در آن پیدا می‌کنید و نشانه هایی هم از جد پدری‌اش که می‌گویند فرانسوی بوده است! نوزاد چند ملیتی گویا در خانواده‌ای یهودی به دنیا می‌آید و چون پدرش مقاطعه کار ساختمان است، پنج سال اول زندگی را در محیطی شهری می‌گذراند. کارهای ساختمانی گویا خیر و برکتی ندارد، بنابراین پدرش مزرعه‌ای را در ایالت «میسوری» می‌خرد تا خانواده، چند سالی هم زندگی روستایی و در مزرعه را تجربه کنند. زندگینامه‌نویس‌های حرفه‌ای معتقدند چهار سال زندگی در مزرعه، به تقویت استعداد نقاشی «والتر» کمک زیادی کرد و الهام بخش خلق موش سرشناسی به نام «میکی موس» در آینده شد. پدرش گویا خیلی اهل ماندن در یک شغل و یک مکان نبود، چون مدتی بعد مزرعه را فروخت تا یک بنگاه پخش مطبوعات را در کانزاس بخرد. در این شهر «والتر» مدتی وردستِ پدر، روزنامه توزیع کرد، گاهی دستفروشی کرد، گاهی شاگرد شیرینی‌پزی شد و در کنار همه این‌ها با رفتن به یک مؤسسه هنری، قدرت نقاشی کشیدنش را هم بالا برد.

راننده آمبولانس

جنگ جهانی اول، کودکی و نوجوانی‌اش را یکجا بلعید تا در ۱۵ سالگی برای خودش مرد بشود. کار و کاسبی پدر باز هم از رونق افتاد و خانواده به نقطه آغازشان یعنی شیکاگو برگشتند. «والتر» از سرناچاری و برای امرار معاش مدتی در کارگاه مرباپزی کار کرد و در ۱۶ سالگی هوای شرکت در جنگ به سرش زد. بنابراین مدتی را به عنوان راننده آمبولانس در جبهه‌های نبرد در فرانسه حضور پیدا کرد. دو سال خدمت در ارتش و حضور در جنگ، او را از کار و فعالیت اقتصادی دور کرد اما از نقاشی نه. در غوغای جنگ جهانی، شاید بیشتر از رانندگی آمبولانس و حمل مجروحان، نقاشی کرد. خاطرات مرباپزی آن‌قدر برایش غیرقابل تحمل و مسخره بود که پس از جنگ نه به کارگاه بازگشت و نه به شیکاگو. از جبهه جنگ به کانزاس نزد برادر بزرگترش رفت و چون طراحی و نقاشی را خوب بلد بود، در یک شرکت تبلیغاتی شروع به کار کرد. آشنایی و شراکت با «آب ایورکس»، طراحی کارتون و کاریکاتور و بعد هم پیوستن به شرکتی که کارش تولید فیلم‌های تبلیغاتی بود، قدم‌های نخست «والتر» به سمت عالم سینما و بعد هم شهرت جهانی است.

یک گِرَم خنده

جوان هنرمند آمریکایی با کار در شرکت تبلیغاتی سرانجام به آرزویش می‌رسد و استودیوی اختصاصی خودش را برای ساخت انیمیشن به راه می‌اندازد. استودیوی «یک گِرَم خنده» که نخستین تجربه انیمیشن‌سازی مستقل او بود سرانجام خوشی ندارد و به ورشکستگی کامل منجر می‌شود. حالا حتی خود «والتر» هم نمی‌تواند تصور کند در آینده، روزی به مالک و صاحب امتیاز بزرگ‌ترین کمپانی فیلم و سرگرمی جهان تبدیل خواهد شد... داستان زندگی و سپس شهرتش، آن‌قدر جذاب و پرافت و خیز هست که بشود تا آخر این گزارش و چند گزارش دیگر شما را مشتاق به خواندن نگه دارد. در این صورت اما مجبوریم فقط به همان لایه اول زندگی، شخصیت و آثار «والت دیزنی» بسنده کرده و بعد هم فقط زبان به تحسین مردی باز کنیم که از اوج فلاکت و ورشکستگی، دری را به سوی موفقیت می‌گشاید. یعنی دیگر جایی برای پرداختن به حرف و حدیث‌هایی که بسیاری از منتقدان او مطرح کرده‌اند، باقی نمی‌ماند. این در حالی است که زندگی و شهرت «دیزنی» به جز آنچه در زندگینامه‌ها و آثارش دیده‌ایم، نکات جذاب و شنیدنی بسیار دیگری هم دارد؛ اینکه «والت دیزنی» در اوج دوران کاری‌اش رابطه‌ای نزدیک با سیاستمداران و جریان‌های سیاسی آمریکا دارد، اینکه حرف‌های زیادی درباره ارتباط میان او و تشکیلات فراماسونری آمریکا زده شده، اینکه برخی‌ها از اعتیادش به الکل و مواد مخدر گفته‌اند... «فریتز اسپرینگ میر» نویسنده آمریکایی حتی فراتر از همه این‌ها درباره انحراف جنسی‌اش سخن گفته است، نشانه هایی از شیطان پرستی که می‌گویند در لوگوی معروف کمپانی « والت دیزنی» وجود دارد و... همه و همه از جمله نکات جالب توجه زندگی اوست که البته حرف زدن درباره آن‌ها با توجه به شهرت و قدرت کمپانی «دیزنی» و محصولاتش کمی سخت است.

چه کسی بدبین است؟

منبع و مرجع خیلی از ادعاهایی را که بالاتر مطرح کردیم و در ادامه هم ممکن است حرفش را بزنیم، اگرچه سایت‌ها و پایگاه‌های اینترنتی فارسی است، اما واقعیت این است که آغازگر این موج بدبینی به سلطان انیمیشن جهان، ما ایرانی‌ها نیستیم. سایت‌های ایرانی هم در واقع بخشی از حرف و حدیث‌هایی را منتشر کرده‌اند که خودِ آمریکایی‌ها درباره «والت دیزنی» گفته‌اند. کتاب‌های «بُعد سیاه والت دیزنی»، «والت دیزنی، شاهزاده تاریکی» یا «شجره نامه ایلومیناتی» مطالب متنوعی در این باره دارند که برخی از آن‌ها را به نقل از سایت‌های مختلف می‌خوانیم: «در کارتون آلیس در سرزمین عجایب، شخصیت شبیه به هزارپا دائم در حال کشیدن ماده‌ای مرموز است... به جز تعداد بی‌شمار فیلم‌هایی با موضوع سحر و جادو، تکرار بیش از اندازه کلمه «سکس» در خلال کارتون‌ها و حتی پنهان نمودن آلت جنسی زنانه و مردانه در پس زمینه برخی از انیمیشن‌های مورد علاقه کودکان چه معنایی می‌تواند داشته باشد... نام «سفید برفی» برگرفته از اسامی دیگر کوکائین یعنی «برف»، «بانوی سفید»، «چارلی»، «کوک»، «پودر» و حتی «سفید برفی» است و هفت کوتوله نیز نماد هفت حالتی است که برای شخص مصرف‌کننده به وجود می‌آید... آلیس به واسطه خوردن قارچ‌های سفید رنگ اسرارآمیز می‌تواند حشره‌ای آبی‌رنگ را در حال کشیدن ماده‌ای ببیند که یکسره می‌گوید: مردم! بیدار شوید... به نظر می‌رسد دستی در پشت پرده در حال تربیت نسلی است که در آینده مصرف‌کنندگان بالقوه موادمخدرباشند»!

همجنسبا زها

اگر باور آنچه بالاتر از قول «فریتز اسپرینگ میر» و دیگران گفتیم، سخت است، می‌توانید به وضعیت کمپانی «والت دیزنی» پس از مرگ او و فعالیت‌هایی که هنوز هم ادامه دارد و بشدت در زمینه سرگرمی و ساخت پارک‌های «دیزنی لند» توسعه یافته، توجه کنید: «بنا به اعتراف رؤسای «والت دیزنی»، این کمپانی بزرگ‌ترین سازمان موجود در صنعت سرگرمی در سطح جهان است که بیشترین آمار استخدامی همجنسبازان را به خود اختصاص داده است... «مایکل آیزنر» مدیرعامل کمپانی «والت دیزنی» و «مایکل اُویتز» رئیس این کمپانی هر دو از جمله هالیوودی‌هایی هستند که بارها به طور رسمی حمایت خود از گروه‌های همجنسباز را اعلام کرده‌اند... «تام شوماخر» معاون مدیر بخش انیمیشن کمپانی والت دیزنی یکی دیگر از کسانی است که همواره با شریک جنسی خود در برابر رسانه‌ها و دید عموم ظاهر می‌شود. او در یکی از مصاحبه‌هایش گفت: تعداد زیادی همجنسباز در سطوح مختلف در کمپانی والت‌دیزنی وجود دارد. فضای موجود در این کمپانی، محیط بسیار حمایتی است... این کمپانی هر ساله یک روز را تحت عنوان روز همجنسبازان و همجنس‌گراها در «دیزنی لند» کالیفرنیا جشن می‌گیرد و به سازمان و گروه‌های همجنس‌گرا اجازه می‌دهد تا شخصیت‌های کارتونی معروف والت دیزنی را به صورت عشاقی همجنسباز دربیاورند...».

کلام آخر

کمی بالاتر از «ایلومیناتی» حرف زدیم؛ محفلی که از آن تحت عنوان «روشن‌ضمیران» یاد می‌کنند و در واقع تشکیلاتی فراماسونری است که اعضای آن را افراد صاحب نفوذ در همه زمینه‌ها تشکیل می‌دهند و البته جریان‌های صهیونیستی پای ثابت چنین تشکیلاتی هستند. «ویکی پدیا» در تعریف آن می‌نویسد: «... به سازمان‌های توطئه‌گر مخفی گفته می‌شود که در حکم دولت در سایه عمل می‌کنند و به نظر می‌رسد رخدادهای دنیا را از طریق دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ امروزی کنترل می‌کنند». والت دیزنی از نگاه برخی از نویسندگان و جریان‌های منتقد هالیوود در آمریکا، متهم به عضویت در چنین تشکیلاتی است و آن‌ها معتقدند کمپانی والت دیزنی نیز هنوز در چارچوب اهداف «ایلومیناتی» فعالیت می‌کند. «اسوالی» نویسنده ۵۷ ساله آمریکایی و نیروی سابق اف.بی.آی که مدتی در این تشکیلات فعالیت کرده و بعد جدا شده است، در این باره می‌گوید: «در هالیوود پول حرف اول را می‌زند شما اگر پول داشته باشید هر کاری می‌توانید بکنید. این نیست که یک ایلومیناتی که می‌خواهد در قالب یک فیلم عقاید خود را ترویج دهد، پیش یک تهیه‌کننده یا کارگردان برود و بگوید که من ایلومیناتی هستم و می‌خواهم یک فیلم ساخته شود تا از طریق آن عقاید من تبلیغ شود، یادتان باشد که آن‌ها احمق نیستند، بلکه آن‌ها یک سرمایه‌گذاری مشترک انجام می‌دهند، به این‌صورت که روی فیلم‌هایی که مورد علاقه‌شان است و در چارچوب اعتقادی آن‌هاست، سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن‌ها در سکوت، بازیگران، تهیه‌کنندگان، کارگردانان و فیلمنامه‌ها را اجاره می‌کنند، ولی هیچ‌گاه از اعتقادات شخصی‌شان به صورت آشکار سخنی نمی‌گویند و یا درباره اینکه چرا به ساخت چنین فیلمی علاقه‌مندند، سخن نمی‌گویند... آن‌ها صدها سال است که پشت صحنه کار می‌کنند و بخوبی می‌دانند که مردم عقاید جدید را بسیار آهسته‌می‌پذیرند...».

نقد جیبی

بساز بفروشِ سینمایی

ایستگاه / م.ظرافتی

آن‌قدر کُفری‌ام که می‌خواهم با بولدوزر از روی سینمای کمدی کشورمان رد شوم. عصبانیت بیش از اندازه‌ام را هم بگذارید به پای یک ساعت و نیم وقتی که پای تماشای فیلم بی سر و ته «میلیونر میامی» هدر داده‌ام. البته قرار نیست نقد فیلم «میلیونر میامی» را بخوانید. چون علاوه بر این که اینجا جای نقد فیلم نیست، من هم ادعای منتقد بودن ندارم و گذشته از این ها میلیونر میامی اصلاً فیلم به حساب نمی‌آید! اجازه دهید کمی برگردیم عقب‌تر. یعنی نقطه آغاز به بی راهه رفتن سینمای کمدی ایران. حدود دو سال پیش برای اولین بار «بساز بفروشی» در سینمای ایران باب شد. یکی از اولین فیلم‌ها «دراکولا» بود به کارگردانی «رضا عطاران». به جرئت می‌گویم این فیلمِ مبتذل اصلاً فیلمنامه نداشت و بازیگران تمام مدت دیالوگ‌های پرت و پلا به خورد مخاطب می‌دادند! مبتذل از این بابت که در بیشتر سکانس‌ها بازیگران مشغول مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی بودند. «دراکولا»ی مبتذل موفق شد چیزی حدود ۴ میلیارد تومان بفروشد. شاید همین موفقیت در فروش موجب شد فیلم‌های بساز بفروشی و بی محتوا مثل قارچ در سینما تکثیر شوند. فقط نگاهی به لیست فیلم‌های دم دستی‌ای که در چند ماه اخیر روی پرده سینما بوده‌اند، بیندازید: «آینه بغل، تگزاس، خانم یایا، لس آنجلس تهران، وای آمپول، هشتگ، میلیونر میامی، کلمبوس و...». رک و راست بهتان بگویم این فیلم‌ها حتی به اصول اولیه یک کمدی استاندارد نزدیک هم نشده‌اند.

مقصران اصلی بلبشو و ابتذالی که امروز در سینمای کمدی ایران می‌بینیم شاید فیلمسازهایی باشند که «کمدی» را یک ژانر مستقل نمی‌دانند و خیال می‌کنند بدون داشتن تخصص در این ژانر و با یک فیلمنامه آبکی، می‌شود چند چهره را جلوی دوربین فرستاد و مخاطب را با لوده بازی‌های اعصاب خردکن خنداند! شیوع ساخت فیلم‌های دم دستی و بی محتوا در سینما شاید به پشتوانه حضور چهره‌ها در کوتاه مدت جیب فیلمسازها را پر و پیمان کند اما در بلند مدت علاوه بر به ابتذال کشاندن ژانر کمدی در کشورمان، موجب بی‌اعتمادی و در نهایت قهر مخاطب با سینما می‌شود.

زیرآسمان شهر

دست‌هایش بوی پاییز می‌داد

ایستگاه / رقیه توسلی

نه معدن‌کار بود، نه پزشک و آشپز و معلم و پلیس و معمار. اهل یکی از این شغل‌های کمتر توی چشم بود. کارگر ارتفاع نه، گاریچی نه، مسگر نه، دکل بند هم نه؛ او یک کارگر باغ بود. زنِ کارگرِ باغ. وقتی اورژانسی تختش را مستقر کردند کنار صندلی‌ام که منتقلش کنند برای عکسبرداری، نتوانستم با او همصحبتی نکنم. «زری نسا» با آن هیبت تنومند و صورتِ سرخ خندان، روی برانکارد دراز کشیده بود. توضیح داد که از یک نردبان ناقلا افتاده. از روی درختِ خوش قد و بالای چهارمتری. دلم لرزید. گفت سه تا بچه دارد. وقتی که از درخت سقوط می‌کرده روی جعبه‌ها، فقط یادش می‌آید که گفته «یاباالفضل» و به دخترهایش فکر می‌کرده. نیاز نیست از شغل سختش چیزی بگوید. زُمختی دست‌هایش هست. صورتِ زنانه‌ای که بادهای پاییزی محوش کرده‌اند. چادرشبی که پاره و گلی شده... و خراشیدگی‌هایی که دیگر جزئی از این بانوی خوش مَشرَب‌اند انگار. با وجود درد فراوان دست از مزاح نمی‌کشید و خطاب به خودش گفت: چه کم بختی زری جان... چاشت از دستت پرید، قوتِ دندانگیرِ شکم پُر... ای دلِ غافل!

۵۰ سالی داشت و همراهِ سَرکارگر و یکی از زنان چادر به کمر، آوردنش برای MRI. خودش انگار نخواسته بود خانواده‌اش را در جریان بگذارند.

یک لحظه آرام نمی‌گرفت. وقت گپ زدن دستانش را بو کرد و با خوشرویی گفت: ای جان! بوی خالص پرتقالِ خونی می‌دهد. از آن درشت‌ها. به به!

اصلاً راضی‌ام به رضای خدا. درد، مال آدمیزاد است دیگر. ان شاءالله که بلا دور باشد از همه، از من... درست عرض نمی‌کنم خانوم جان؟

بعد بی‌آنکه منتظرِ جوابم بماند روسری همکارش را می‌کشد که: ها «سیما سروی»، کوفت بشود به شما اگر امروز همه با تیلر برگردید، اما من را ببرند مریضخانه بخوابانند... آن‌وقت دوتایی پُشت پَرِ چارقدشان ریسه رفتند بی‌صدا. وقت بردنش احساس می‌کردم چقدر «زری نسا» مثل میان پرده شیرین ۱۵ دقیقه‌ای آمد اما تمام نشد و روحیه خوشش به داد حال وارفته مان رسید. بعد از خداحافظی به تقلید از او، دست‌هایم را بو می‌کشم! نه، از عطر خودکار و کاغذ و لپ تاپ خبری نیست... بیشتر که سعی می‌کنم ذره‌ای رایحه لیمو و برگ نصیبم می‌شود... دست دادن با زری بانو کار خودش را کرده است انگار.

پس نوشت: از دیروز چشمم دنباله‌رو ماشین حمل مرکبات شده است دیگر. دنباله‌رو بادی که برگِ میوه‌ها را می‌جنباند و از سیماها و زری نساها خبر دارد.

جدول ۷۴۲۲

zadehalireza@gmail.com
محمدرضا علی‌زاده

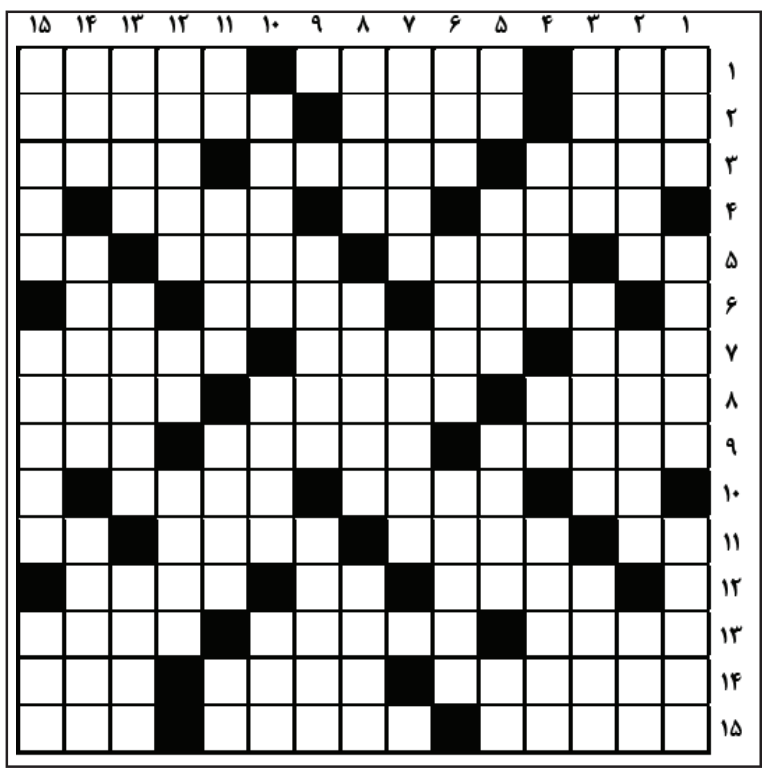

افقی

۱- ایده و نظر- سیاهی میان دایره رنگی چشم – کلید خودرو ۲- ماست چکیده- از حالات سه‌گانه ماده - وسیله‌ای در چرخ خیاطی که نخ دور آن تابیده می‌شود ۳- کوسه- شاعر روم باستان- مفرد ۴- خواهش‌های نفسانی- صوت نفرت- ماه میلادی ۵- بندری بر روی رودخانه- درخت انگور- باایمان- دهان عرب ۶- مادربزرگ - متقلب- مروارید ۷- رفیق شفیق- نقصان- آپاندیس ۸- نوعی اسباب‌بازی کودکانه- رشته کوهی سراسری در شمال ایران- همدم ۹- دوران بهبودی از بیماری- مرتب شود «ویران» می‌شود- تند و فوری ۱۰- لحظه - دوباره‌کاری شده- بزرگتر ۱۱- واحد والیبال - سواری دادن هم معنی می‌دهد- ابریشم- شرور ۱۲- سید و سرور- صوت ندا- انجام کاری بدون دقت و رعایت ریزه‌کاری‌ها ۱۳- شهری مرزی در کردستان- خراب شده- جوان فرنگی ۱۴- طایفه‌ما- از آتش افروزها- پسوند شباهت ۱۵- خواهر و برادر غیراصلی- زیردست- سر و راز

عمودی

۱- خواستن- سفلی- مجمع صهیونیستی ضد ایرانی ۲- حوله- زمان‌ها- نظرات ۳- جنگ‌افزار- کباب شده- تکبر و خودخواهی ۴- بانوی کاشف رادیو اکتیویته- صوت شگفتی- برجستگی پشت شتر ۵- حرفی روی خودش - طایفه‌ای آسیایی- ثروتمندی- حرف دهن‌کجی ۶- سبیل و طریق- اشاره‌کردن- از اقلیت‌های مذهبی کشورمان ۷- کتاب شاعر- از انواع دیسک‌های رایانه‌ای ۸- شناسنده- نهر- حق کسی را ادا کردن ۹- مهر معروف- از روش‌های تکثیر گیاهان ۱۰- شنیده شده- کمربند ترسایان- ابتدا ۱۱- مالیات- درس نوشتنی- درهم‌های مربع شکل که مهدی موسس سلسله موحدین دستور ضرب آن را داد- شهر توت ۱۲- جنگجوی غرب وحشی- تعجب خانمانه- طلای قلابی ۱۳- پیامبری در شکم ماهی- این پول در مسافرت کویت به کارتان می‌آید- مشرق ۱۴- تکیه کلام بچه مشهد- وزیر در شطرنج- نوعی برنج مرغوب وطنی ۱۵- رابع- وی را پدر شعر تعلیمی یونان دانسته اند- اسلحه رستم

حل جدول شماره قبل

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید